

شماره ثبت: ۷۱۵
بهمن ۱۴۰۰
مسلسل: ۱۸۰۵۷
دوره یازدهم - سال دوم

بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور ۳. تصویر کلان اقتصاد ایران و چشم‌انداز آن



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۸۰۵۷

کد موضوعی: ۲۲۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور ۳. تصویر کلان اقتصاد ایران و چشم‌انداز آن

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان و مدلسازی)

تهیه و تدوین کنندگان: محمدرضا عبداللهی، زهرا کاویانی، عالیه ناظمی، فاطمه عزیزخانی،

علیرضا آذربایجانی

ناظران علمی: سیدعلی روحانی، موسی شهبازی غیائی

واژه‌های کلیدی:

۱. رشد اقتصادی
۲. نرخ تورم
۳. نرخ فقر
۴. سرمایه‌گذاری
۵. صادرات
۶. واردات

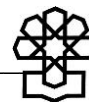


تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	۱. وضعیت تولید
۸.....	۲. اشتغال و بیکاری
۹.....	۲-۱. تحولات اشتغال به تفکیک بخش‌های اقتصادی
۱۰.....	۲-۲. تحولات اشتغال جوانان
۱۱.....	۲-۳. تحولات جنسیتی بازار کار
۱۲.....	۲-۴. تحولات منطقه‌ای اشتغال
۱۴.....	۲-۵. عملکرد سیاست‌های دولت در حوزه بازار کار
۱۶.....	۳. سرمایه‌گذاری و موجودی سرمایه
۱۹.....	۴. تورم
۲۱.....	۴-۱. عوامل مؤثر بر نرخ تورم
۲۵.....	۴-۲. چشم‌انداز تورم در سال ۱۴۰۱
۲۶.....	۴-۳. تصویر استانی افزایش هزینه‌های زندگی
۲۷.....	۵. وضعیت معیشتی
۲۷.....	۵-۱. مروری بر وضعیت معیشتی خانوارها در دهه ۹۰ و سال ۱۳۹۹
۳۱.....	۵-۲. عوامل مؤثر بر وضعیت فقر و معیشت
۳۲.....	۵-۳. تصویر استانی فقر و محرومیت
۳۴.....	جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی



بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور ۳. تصویر کلان اقتصاد ایران و چشم‌انداز آن

چکیده

بررسی وضعیت بخش حقیقی اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد علی‌رغم رشد قابل توجه بخش نفت خام و گاز طبیعی در نتیجه رشد قابل توجه صادرات نفت خام و رشد مثبت بخش خدمات در نتیجه کاهش اثرات شیوع ویروس کرونا، به دلیل رشد منفی بخش کشاورزی تحت تأثیر خشکسالی و سیاست‌های مداخله‌ای دولت و قطعی برق صنایع مختلف، رشد اقتصادی سال ۱۴۰۰ حدود ۲/۸ درصد و رشد بدون نفت ۱/۶ درصد برآورد می‌شود. پیش‌بینی نهادهای بین‌المللی نیز از رشد اقتصادی کشور طی سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ بین ۲ تا ۳ درصد است. ضمن اینکه بررسی روند تشکیل سرمایه حاکمی از آن است که به دلیل کمتر بودن سرمایه‌گذاری از استهلاک سرمایه، تشکیل سرمایه خالص در سال ۱۴۰۰ نیز مشابه سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ منفی خواهد بود و موجودی سرمایه اقتصاد در این سال کاهش خواهد یافت که این موضوع به خصوص به دلیل اثرگذاری بر رشد بالقوه اقتصاد کشور بسیار نگران‌کننده است.

بررسی وضعیت بازار کار کشور نشان می‌دهد این بازار در سال ۱۴۰۰ بیش از هر چیز متأثر از بازیابی اقتصاد از اثرات شیوع ویروس کرونا در سال ۱۳۹۹ بوده و در نتیجه این موضوع اشتغال کشور در فصل بهار این سال افزایش قابل توجهی یافته است. با این حال با تخلیه این اثر، در سایر فصول سال ۱۴۰۰ تداوم رشد قابل توجه اشتغال دور از انتظار خواهد بود. صندوق بین‌المللی پول نرخ بیکاری کشور در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ را به ترتیب ۱۰ و ۱۰/۵ درصد پیش‌بینی کرده است.

به علاوه بررسی‌ها نشان می‌دهد نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه در آبان‌ماه ۱۴۰۰ نسبت به آبان‌ماه ۱۳۹۹ به ۳۵/۷ درصد رسیده است. دلایل افزایش شاخص قیمت در سال ۱۴۰۰ را می‌توان در یک نگاه کلی، افزایش قابل توجه انتظارات تورمی، افزایش نرخ ارز، سیاست پولی و سیاست مالی دانست. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در آخرین گزارش خود نرخ تورم ایران در سال ۲۰۲۲ (۱۴۰۱) را به ترتیب ۲۷/۵ و ۴۱/۶ درصد پیش‌بینی نموده‌اند.

مجموعه موارد مذکور سبب شده تا نرخ فقر در سال‌های اخیر روندی صعودی به خود گرفته و براساس برآوردها به رقم بی‌سابقه ۲۸/۸ درصد در سال ۱۳۹۹ برسد. ضمن اینکه با چشم‌انداز بیان شده در خصوص متغیرهای رشد اقتصادی و تورم و در صورت تداوم وضعیت موجود، توجه جدی به وضعیت رفاهی خانوارها بسیار ضروری خواهد بود.

در این شرایط اتفاق نظر بخش مهمی از بدنه دولت و مجلس در خصوص عدم امکان تداوم سیاست‌های اقتصادی اشتباه پیشین، فرصتی تاریخی برای اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران در اختیار قرار داده که می‌تواند روندهای بلندمدت اقتصاد ایران را در مسیر درست قرار دهد. نگاهی گذرا بر لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ نشان از اراده نسبی دولت در خصوص شروع تحولات ساختاری مذکور دارد. با این حال ذکر این نکته ضروری است که اصلاح ساختاری بودجه، گام اول در جهت اصلاحات ساختاری اقتصاد ایران است و لازم است دولت به منظور کاهش پایدار تورم و نابرابری و همچنین اصلاح روند بلندمدت رشد اقتصادی، اصلاحات جدی در سایر حوزه‌ها از جمله نظام بانکی، نظام ارزی، نظام قیمتگذاری و... را در دستور کار خویش قرار دهد.

مقدمه

رصد تحولات اقتصاد کلان و ارائه پیش‌بینی‌های کوتاه‌مدت از متغیرهای مرتبط با این حوزه می‌تواند برای فعالین اقتصادی و سیاستگذاران از جمله در مجلس شورای اسلامی مفید باشد. این موضوع به خصوص در آستانه تصویب لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ در مجلس شورای اسلامی از اهمیت دوچندانی برخوردار خواهد بود. به خصوص آنکه لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ در حالی به مجلس ارائه شده است که تغییر رویه‌های متعددی نسبت به لوایح بودجه سال‌های پیش در آن دیده می‌شود. داشتن تصویری دقیق از اقتصاد ایران می‌تواند به بررسی میزان تطابق اصلاحات مذکور در لایحه بودجه با چالش‌های کنونی اقتصاد کلان کمک جدی نماید.

با تخلیه نسبی اثرات تحریم‌ها و شیوع ویروس کرونا که در سال‌های اخیر بر اقتصاد کشور تحمیل شده بود، سال ۱۴۰۰ از منظر اثرپذیری از شوک‌های بیرونی نسبتاً با ثبات بوده و اقتصاد در مسیر بازبایی اثرات ناشی از شوک‌ها قرار داشته است. رشد اقتصادی ۷/۸ و ۴/۲ درصدی در فصول بهار و تابستان سال جاری در کنار افزایش حدود ۷۰۰ هزار نفری جمعیت شاغل در فصل بهار تا حدی گویای بهبود شرایط و گذر از شوک‌های بیرونی وارد شده بر اقتصاد در سال‌های پیش می‌باشد. با این حال تداوم نرخ‌های تورم بالا که از ابتدای سال ۱۳۹۷ آغاز شده بود نشان از عدم تعادل‌های جدی در اقتصاد کلان دارد. این مسئله اهمیت تنظیم بودجه سال ۱۴۰۱ و تناسب آن با شرایط اقتصاد کلان کشور را نشان می‌دهد. در ادامه گزارش سعی می‌شود با بررسی وضعیت تولید، اشتغال و بیکاری، سرمایه‌گذاری و موجودی سرمایه، تورم و وضعیت معیشتی تصویری روشن از وضعیت متغیرهای اقتصاد کلان ارائه شده و چشم‌انداز این متغیرها در سال آتی ترسیم گردد.

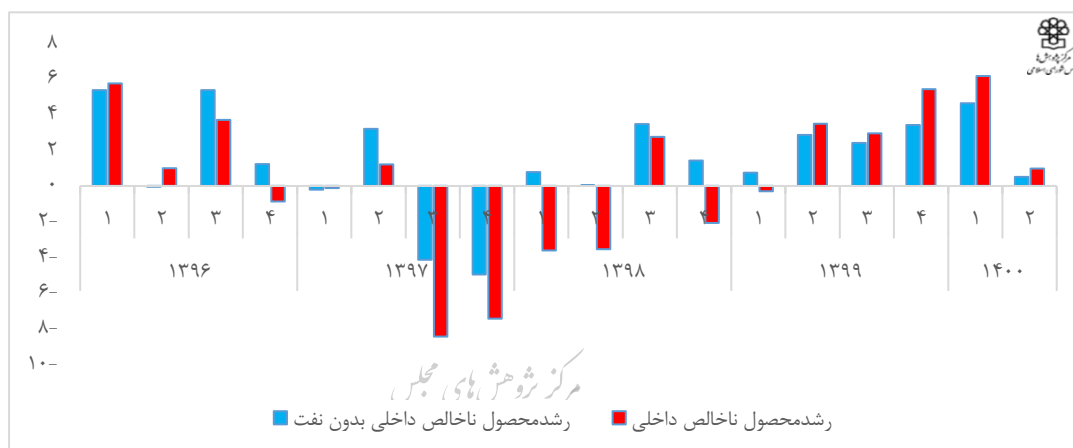


۱. وضعیت تولید

در حالی که رشد اقتصادی کشور از سال ۱۳۹۷ در دامنه منفی قرار گرفته بود، با شیوع ویروس کرونا از ابتدای اسفندماه ۱۳۹۸ اقتصاد کشور متحمل شوک جدیدی شد، به طوری که عملکرد اقتصادی سال ۱۳۹۹ بیش از هر چیز متأثر از این شوک بوده است.

همه‌گیری ویروس کرونا بخش خدمات را بسیار بیشتر از سایر بخش‌ها تحت تأثیر قرار داده است و همچنین آثار رفاهی آن نیز بسیار قابل توجه است. با این حال تحقق رشد ۷ درصدی گروه خدمات در سه‌ماهه اول سال ۱۴۰۰ و در شرایطی که ارزش‌افزوده این گروه در سه‌ماهه اول سال ۱۳۹۹ متأثر از پیامدهای شیوع بیماری کرونا با کاهش ۲/۵ درصدی مواجه شده بود، حاکی از بازیابی این بخش از اقتصاد از تبعات منفی شیوع ویروس کروناست.

نمودار ۱. رشد تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت (درصد)



مأخذ: حساب‌های ملی فصلی بانک مرکزی.

همان‌گونه که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، ارزیابی عملکرد اقتصاد ایران در ۶ ماهه اول سال جاری حاکی از آن است که علاوه بر بازیابی بخش خدمات از تبعات منفی شیوع کرونا، رشد قابل توجه صادرات نفت خام و میعانات، سبب شده تا بخش حقیقی اقتصاد ایران رشد مثبتی را تجربه کند. همچنین براساس آخرین شواهد از عملکرد اقتصاد در ۶ ماه اول سال ۱۴۰۰ و روندهای قابل تحلیل تا پایان سال، طبق برآوردهای انجام شده پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۴۰۰ رشد اقتصادی ایران ۲/۸ درصد باشد، این میزان برای رشد بدون نفت ۱/۶ درصد خواهد بود.

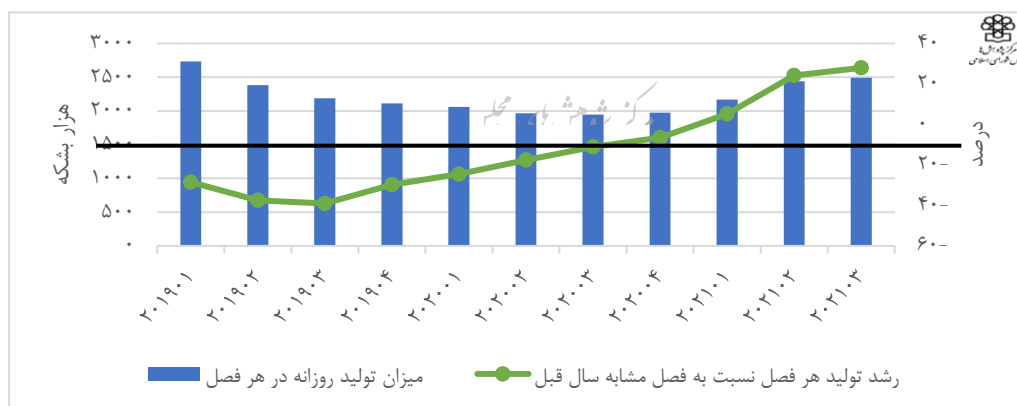
با توجه به ضرورت رصد عملکرد بخش حقیقی در سال ۱۴۰۰ در آستانه ارائه لایحه بودجه ۱۴۰۱ به مجلس شورای اسلامی، سعی شده در ابتدا به‌طور مختصر رشد بخش‌های تشکیل‌دهنده بخش حقیقی اقتصاد ایران که عبارتند از: کشاورزی، نفت خام و گاز طبیعی، صنعت، ساختمان و خدمات مورد تحلیل

قرار گیرد و در نهایت برآوردی از رشد تولید ناخالص داخلی ارائه می‌شود.

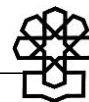
– کشاورزی: این بخش همواره تحت تأثیر میزان بارش و خشکسالی قرار داشته است. علاوه بر این شیوع کرونا و برخی از تکانه‌های دیگر نیز بر کاهش تولید در بخش کشاورزی مؤثر بوده‌اند، ولی تأثیر آنها کمتر از کاهش بارندگی‌ها بوده است. از طرفی انگیزه پایین کاشت گندم به دلیل پایین بودن قیمت تضمینی، سبب شده تولید این محصول استراتژیک کاهش یابد و همچنین بالا رفتن هزینه‌های نهاده‌ها باعث کاهش تولید سایر محصولات زراعی شده است؛ به طوری که براساس برآورد وزارت جهاد کشاورزی، در نهایت در سال ۱۴۰۰ رشد تولید محصولات زراعی منفی ۱۳ درصد و رشد تولید غلات منفی ۲۷ درصد پیش‌بینی شده است. رشد بخش کشاورزی در ۶ ماهه ابتدای سال ۱۴۰۰ طبق گزارش بانک مرکزی منفی ۲ درصد عنوان شده است، همچنین با در نظر گرفتن پیش‌بینی‌های وزارت جهاد کشاورزی برای تولید اقلام مختلف محصولات کشاورزی، رشد بخش کشاورزی در سال ۱۴۰۰ حدود ۳/۱- درصد پیش‌بینی می‌شود.

– نفت خام و گاز طبیعی: رشد بخش نفت خام و گاز طبیعی در ۶ ماهه ابتدای سال ۱۴۰۰ طبق گزارش بانک مرکزی، ۱۵/۱ درصد برآورد شده است. آمارهای سازمان اوپک از منابع ثانویه از سال ۲۰۱۹ در نمودار ۲ گزارش شده است. همان‌طور که نمودار ۲ نشان می‌دهد، تولید نفت ایران در فصول ۲ و ۳ سال ۲۰۲۱ (بهار و تابستان ۱۴۰۰) به ترتیب حدود ۲/۴۴ و ۲/۴۹ میلیون بشکه در روز بوده است که با در نظر گرفتن مصرف حدود ۱/۷ میلیون بشکه‌ای روزانه نفت خام در داخل به معنای صادرات ۷۷۰ و ۸۲۰ هزار بشکه‌ای روزانه نفت خام در این فصول می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت روند صادرات صعودی بوده و برای سال ۱۴۰۰ انتظار رشد ۱۹/۵ درصدی در بخش نفت و گاز وجود خواهد داشت.

نمودار ۲. تولید نفت ایران – گزارش‌های ماهیانه اوپک (منابع ثانویه – هزار بشکه)



Source: OPEC, Monthly Oil Market Report.



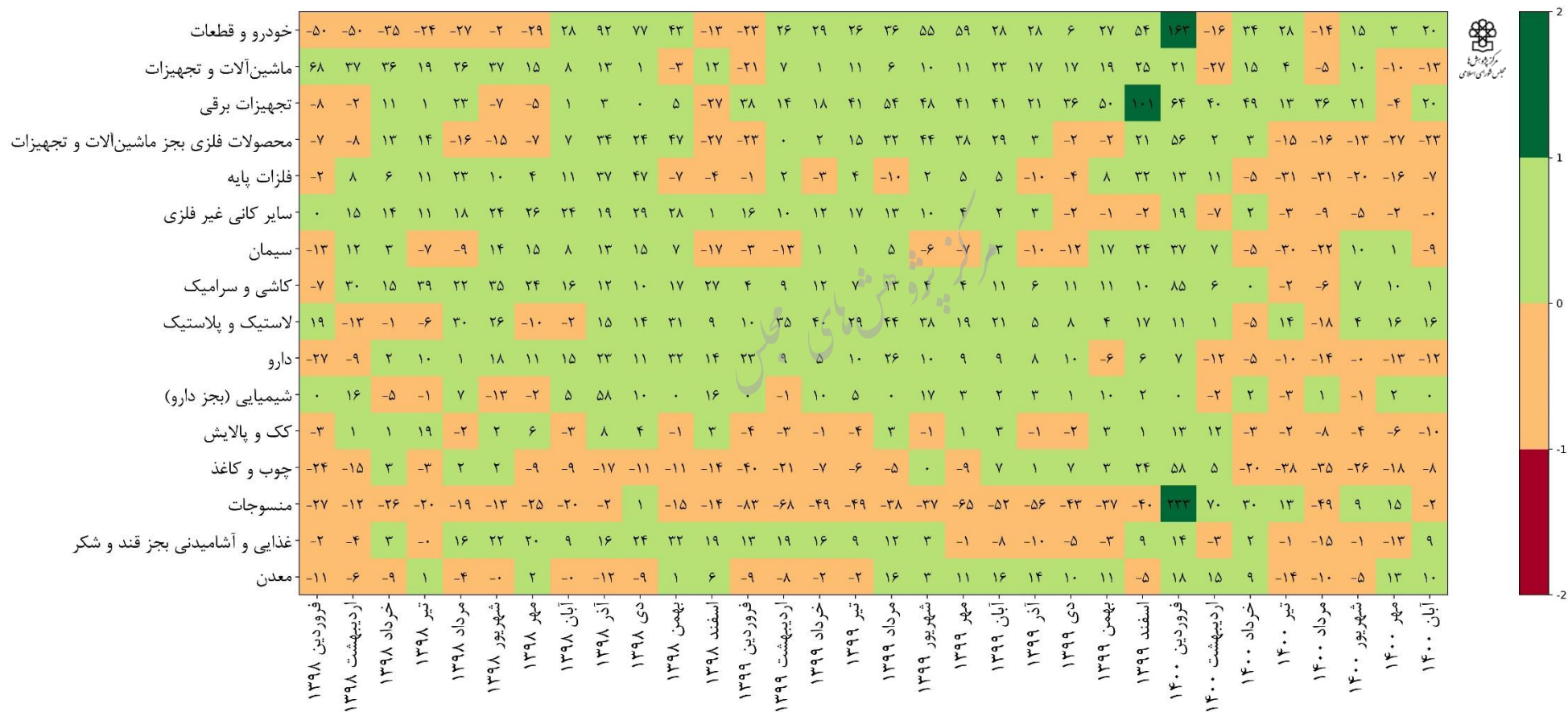
صنعت: جهت بررسی بخش صنعت از شاخص تولید صنایع بورسی و شاخص مدیران خرید (شامخ) استفاده شده است. بررسی شاخص‌های فوق حاکی از آن است که در عمده ماه‌های ۶ماهه اول شاخص تولید بخش صنعت دارای رشد منفی بوده، که دلیل اصلی آن را در قطعی‌های برق ناشی از مسئله کمبود برق که بار آن عمدتاً به بخش صنعت منتقل شده می‌توان جستجو کرد.

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، در مجموع در سال ۱۳۹۹ عمده زیربخش‌های صنعت، رشد مثبت تجربه کرده‌اند. با این حال با شیوع ویروس کرونا برخی صنایع متأثر شده‌اند که رشد منفی رشته‌فعالیت کک و پالایش، سیمان، چوب و کاغذ و منسوجات می‌تواند ناشی از شیوع این ویروس باشد (به توزیع خانه‌های رنگی توجه کنید).

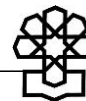
از طرفی طی ماه‌های خرداد، تیر و مرداد سال جاری، هم‌زمان با قطع برق صنایع فولادی و سیمانی، شاخص تولید این رشته‌فعالیت‌ها با رشد منفی نسبت به ماه مشابه سال قبل مواجه شدند و با توجه به ضریب بالای رشته‌فعالیت فلزات اساسی در شاخص کل تولید صنعت، رشد صنعت طی ۶ماهه منتهی به شهریورماه ۱۴۰۰ نسبت به ۶ماهه مشابه سال قبل ۱/۲۷ درصد کاهش یافته است. عملکرد زیربخش‌های صنعت در ۶ماهه اول سال ۱۴۰۰ بهبودهایی را در وضعیت برخی صنایع نشان می‌دهد. این موضوع به‌خصوص برای رشته‌فعالیت خودرو و قطعات، منسوجات، تجهیزات برقی و کاشی و سرامیک ملموس است (به نواحی مشخص شده توجه کنید).

رشد بخش صنعت در ۶ماهه ابتدای سال ۱۴۰۰ طبق گزارش بانک مرکزی، ۱/۹ درصد اعلام شده است. براساس شواهد مطرح شده در بالا رشد بخش صنعت در سال ۱۴۰۰ حدود ۱/۱ درصد پیش‌بینی می‌شود. شاخص موجودی مواد اولیه طرح شامخ تنها در اردیبهشت‌ماه عدد بالای ۵۰ را ثبت کرده که این موضوع سیگنالی نگران‌کننده درخصوص تأمین مواد اولیه صنعت است. این موضوع می‌تواند به‌دلیل محدودیت‌های تجاری ناشی از شیوع ویروس کرونا و افزایش قابل توجه قیمت مواد اولیه رخ داده باشد.

جدول ۱. رشد ماهیانه تولید فعالیت‌های صنعتی براساس شاخص تولید صنایع بورسی



مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.



– ساختمان: شواهد موجود از پروانه‌های ساختمانی صادره در نیمه دوم سال ۱۳۹۹ نشان‌دهنده رشد مثبت سرمایه‌گذاری در ساختمان در سال ۱۴۰۰ است. از طرف دیگر، عملکرد بودجه عمرانی دولت در ۶ماهه اول سال نشان می‌دهد که رشد سرمایه‌گذاری در ساختمان‌های غیرمسکونی دولتی در این دوره مثبت بوده است. در واقع مخارج عمرانی نسبت به سال گذشته به صورت اسمی ۹۰ درصد افزایش داشته و با در نظر گرفتن تورم، رشد مثبت سرمایه‌گذاری دولتی به قیمت ثابت در نیمه اول سال ۱۴۰۰ قابل توجه بوده است که البته به دلیل محدودیت‌های بودجه‌ای دولت، تداوم این رشد برای ۶ماهه دوم قابل انتظار نخواهد بود. رشد بخش ساختمان در ۶ماهه ابتدای سال ۱۴۰۰ طبق گزارش بانک مرکزی، منفی ۱۶/۹ درصد برآورد شده است و طبق تخمین‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، رشد بخش ساختمان در سال ۱۴۰۰ حدود ۴/۱ درصد برآورد می‌شود.

– خدمات: رشد فصل تابستان بخش خدمات طبق گزارش بانک مرکزی ۴/۲ درصد و رشد ۶ماهه ۵/۷ درصد عنوان شده است، از طرفی رشد مثبت ۷/۳ درصدی خدمات در فصل بهار بیانگر بازیابی این بخش از تبعات منفی شیوع کروناست و انتظار نمی‌رود در فصول آتی سال نیز تداوم یابد. در نهایت رشد بخش خدمات با در نظر گرفتن تحولات زیربخش‌های خدمات در سال ۱۴۰۰ حدود ۲/۵ درصد برآورد می‌شود.

– تولید ناخالص داخلی: براساس گزارش بانک مرکزی در ۶ماهه ابتدای سال ۱۴۰۰ رشد تولید ناخالص داخلی ۳/۳ درصد و رشد بدون نفت ۲/۴ درصد گزارش شده است. در نهایت پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۴۰۰ رشد اقتصادی ایران ۲/۸ درصد باشد. این میزان برای رشد بدون نفت ۱/۶ درصد است. جدول ۲ جزئیات برآورد رشد در سطح بخش‌ها را نشان می‌دهد. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیز در آخرین گزارش‌های خود رشد اقتصادی ایران را در سال ۲۰۲۱ به ترتیب ۲/۵ و ۳/۱ درصد پیش‌بینی کرده‌اند.

جدول ۲. رشد ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی در سال ۱۳۹۹ و پیش‌بینی سال ۱۴۰۰

شرح	۱۳۹۹	۱۴۰۰
کشاورزی	۴/۳	-۳/۱
نفت	۸/۷	۱۹/۵
صنعت	۸	۱/۱
ساختمان	۸/۷	۴/۱
خدمات	-۰/۲	۲/۵
تولید ناخالص داخلی	۲/۹	۲/۸
تولید ناخالص داخلی بدون نفت	۲/۴	۱/۶

مأخذ: حساب‌های ملی بانک مرکزی، بخش‌های قبلی گزارش و محاسبات تحقیق.

درخصوص چشم‌انداز بخش حقیقی اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۱ بایستی بیان کرد با توجه به پیش‌بینی تداوم خشکسالی، عدم پیش‌بینی افزایش قابل توجه صادرات نفتی و مشکلات زیرساختی بخش صنعت در تأمین انرژی، رشد اقتصادی سال ۱۴۰۱ در حدود رشد سال ۱۴۰۰ پیش‌بینی می‌شود. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی رشد اقتصادی کشور در سال ۲۰۲۲ (۱۴۰۱) را به ترتیب ۲ و ۲/۴ درصد پیش‌بینی کرده‌اند.

۲. اشتغال و بیکاری

بررسی شرایط بازار کار ایران در نیمه نخست سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که از ابتدای سال ۱۴۰۰ با کاهش آثار شیوع ویروس کرونا، دوره جدیدی از روند متغیرهای بازار کار شروع شده، به‌طور کلی بازار کار کشور در سال‌های اخیر تحت تأثیر عوامل مختلف روندهای متفاوتی را تجربه کرده که حداقل به سه دوره طبقه‌بندی می‌شود:

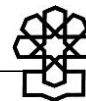
الف) پاییز ۱۳۹۳ تا زمستان ۱۳۹۸

نمودار ۳ نشان می‌دهد طی پاییز ۱۳۹۳ تا زمستان ۱۳۹۸، جمعیت شاغل به‌طور متوسط در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل ۶۲۱ هزار نفر افزایش یافته است. بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد طی این دوره هرچند اشتغال از منظر کمی رشد داشته، ولی اشتغال بیشتر در بخش خدمات، بنگاه‌های کوچک و با وضعیت کارکن مستقل شکل گرفته که اشتغال باکیفیتی ارزیابی نمی‌شود. با توجه به کاهش تدریجی توان اشتغال‌زایی کشور، در فصل زمستان سال ۱۳۹۸ شواهدی از متوقف شدن روند افزایش اشتغال وجود داشت که این روند با شیوع ویروس کرونا از بهار سال ۱۳۹۹ متوقف شد.^۱

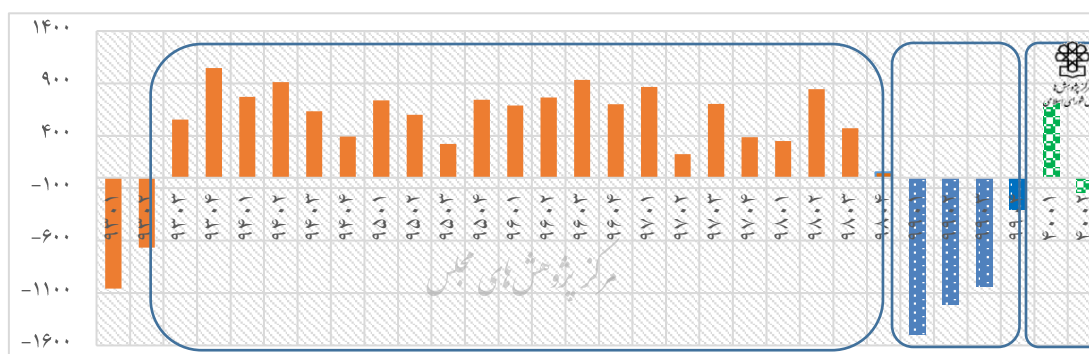
ب) بهار ۱۳۹۹ تا زمستان ۱۳۹۹

از اسفندماه ۱۳۹۸ و با شیوع بیماری کرونا روند جدیدی از متغیرهای بازار کار شروع شد و اوج اثرگذاری بیماری کرونا در بهار ۱۳۹۹ با کاهش ۱۵۰۰ هزار نفری شاغلین نسبت به فصل مشابه سال قبل به ثبت رسید. در ادامه سال ۱۳۹۹ و بهبود مراقبت‌های پیشگیری و بهداشتی، کاهش ترس از کرونا و همچنین نیاز خانوارها به تأمین معیشت، به تدریج آثار بحران کرونا بر بازار کار کم‌رنگ شد به‌طوری که از فصل تابستان تا زمستان ۱۳۹۹، علی‌رغم روند نزولی اشتغال به نسبت تعداد کمتری از جمعیت شاغل کاسته شد. به‌طوری که در زمستان ۱۳۹۹ نسبت به فصل مشابه سال قبل، سیصد هزار نفر از جمعیت شاغل کاسته شد.

۱. برای مطالعه بیشتر در این رابطه به گزارش تحلیل تحولات بازار کار طی دوره ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ مرکز پژوهش‌های مجلس مراجعه شود (شماره مسلسل ۱۷۴۷۷).



نمودار ۳. روند تغییرات جمعیت شاغل طی پاییز ۱۳۹۳ تا تابستان ۱۴۰۰ نسبت به فصل مشابه سال قبل (هزار نفر)



مأخذ: محاسبات محقق از داده‌های خام طرح آمارگیری نیروی کار.

ج) بهار ۱۴۰۰ به بعد

از بهار سال ۱۴۰۰ با شروع واکسیناسیون و کاهش آثار کرونا بر بازار کار، روند جدیدی در بازار کار شکل گرفت؛ به طوری که در این فصل ۷۱۳ هزار نفر به جمعیت شاغل کشور نسبت به فصل مشابه سال قبل افزوده شد. البته از آنجایی که اوج تأثیرگذاری بحران کرونا در بهار ۱۳۹۹ بوده، آثار خروج از آن نیز در بهار ۱۴۰۰ بیشتر نمایان است و در تابستان ۱۴۰۰، به نسبت افزایش کمتری در اشتغال بخش‌های اقتصادی مشاهده می‌شود.

در ادامه ابتدا تحولات اشتغال در ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۰ از منظر: ۱. تحولات اشتغال به تفکیک بخش‌های اقتصادی، ۲. تحولات اشتغال جوانان، ۳. تحولات جنسیتی بازار کار و ۴. تحولات منطقه‌ای اشتغال، مورد بررسی قرار می‌گیرد و در گام بعد عملکرد سیاست‌های دولت در حوزه بازار کار مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۲. تحولات اشتغال به تفکیک بخش‌های اقتصادی

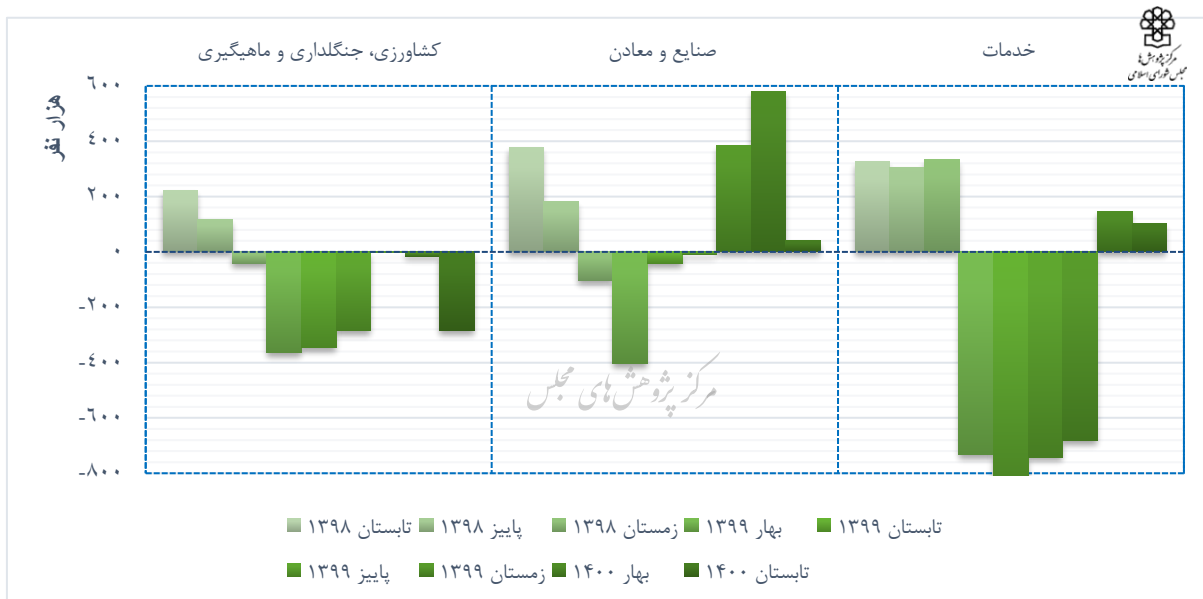
بررسی ترکیب اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی در ۶ ماهه نخست سال حاوی روندهای متفاوت اشتغال در بخش‌های مختلف است:

- بخش کشاورزی: بررسی اشتغال در بخش کشاورزی نشان‌دهنده روند نزولی اشتغال در این بخش از فصل زمستان ۱۳۹۸ است. تعداد شاغلین بخش کشاورزی در فصول بهار و تابستان ۱۴۰۰ به ترتیب ۱۵ و ۲۴۸ هزار نفر نسبت به فصل مشابه سال قبل کاهش یافته است. مهم‌ترین عامل روند نزولی اشتغال در دو سال اخیر، کاهش بارندگی و خشکسالی در سال آبی قبل و جاری می‌باشد که با توجه به تداوم خشکسالی، کاهش اشتغال در این بخش قابل انتظار خواهد بود.

- بخش صنعت: تعداد شاغلین بخش صنعت در فصول بهار و تابستان به ترتیب ۱۴۷ و ۴۰ هزار نفر افزایش نسبت به فصل مشابه سال قبل یافته است. به نظر می‌رسد روند نزولی افزایش اشتغال در صنعت بیش از هر چیز در نتیجه قطعی‌های برق در تابستان ۱۴۰۰ است.

- بخش خدمات: شاغلین بخش خدمات در فصول بهار و تابستان به ترتیب ۵۸۰ و ۱۰۳ هزار نفر نسبت به فصل مشابه سال قبل افزایش یافته است. با توجه به آنکه بخش خدمات از شیوع کرونا در ۱۳۹۹ بیشترین اثرپذیری را داشت، پیش‌بینی می‌شد با گذر از اثرات شوک اولیه کرونا، افزایش اشتغال در این بخش بیشتر از سایر بخش‌ها باشد. افزایش اشتغال حدود ۱۰۰ هزار نفری این بخش در فصل تابستان ۱۴۰۰ نسبت به فصل مشابه سال قبل در حالی که این بخش در فصل تابستان ۱۳۹۹ حدود ۸۱۷ هزار نفر نسبت به فصل مشابه سال قبل اشتغال از دست داده بود نشان می‌دهد هنوز در بخش خدمات به ظرفیت اشتغال پیش از شیوع کرونا بازنگشته‌ایم.

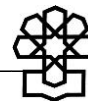
نمودار ۴. تغییرات تعداد شاغلان نسبت به فصل مشابه سال قبل به تفکیک بخش‌های اقتصادی



مأخذ: همان.

۲-۲. تحولات اشتغال جوانان

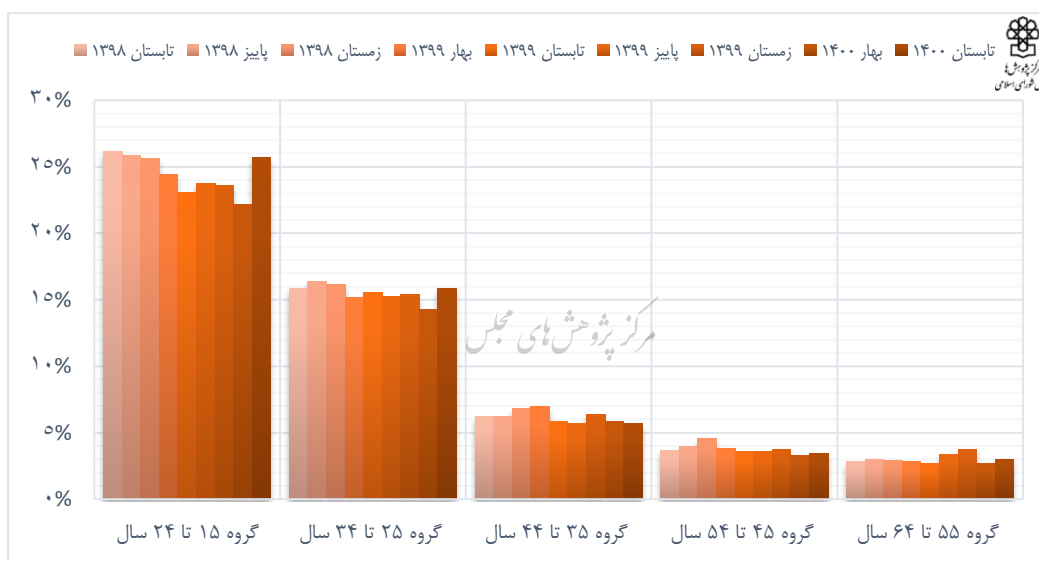
وضعیت بازار کار در سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که بیشترین میزان نرخ بیکاری در ۶ ماه نخست سال ۱۴۰۰ مربوط به گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله است و نرخ بیکاری این گروه در تابستان ۱۴۰۰ با عدد ۲۵/۷ درصد نسبت به سایر گروه‌های سنی بیشترین میزان افزایش را معادل ۲/۷ واحد درصد داشته است. از سوی دیگر وضعیت شاغلین این گروه سنی نشان می‌دهد که هرچند در بهار ۱۴۰۰ نسبت به بهار ۱۳۹۹،



تعداد شاغلین گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال در حدود ۱۲۷ هزار نفر نسبت به فصل مشابه سال قبل افزایش داشته، اما در تابستان ۱۴۰۰ این روند متوقف شده و اشتغال این افراد نسبت به تابستان ۱۳۹۹، ۹۷ هزار نفر کاهش داشته است. در این میان کاهش اشتغال گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ سال در تابستان ۱۴۰۰ نسبت به بهار ۱۴۰۰ تشدید نیز شده است (کاهش ۴۳۶ هزار نفر در تابستان نسبت به فصل مشابه سال قبل در مقایسه با کاهش ۱۳۱ هزار نفر در بهار ۱۴۰۰).

تداوم رشد منفی اشتغال جوانان، اثرات نامطلوب اجتماعی و انگیزشی برای جوانان در پی خواهد داشت. علاوه بر این معمولاً شرایط اشتغال و بیکاری جوانان، مهم‌ترین عنصر مؤثر در ادراک جامعه از شرایط بازار کار است و لازم است اتخاذ تدابیر ویژه برای رفع چالش‌های بازار کار این گروه سنی، در اولویت‌های دولت جدید قرار گیرد. از جمله این موارد تقویت و اجرای سیاست‌های فعال بازار کار و افزایش انعطاف در قانون کار با رویکرد افزایش اشتغال‌زایی برای جوانان را می‌توان برشمرد.

نمودار ۵. نرخ بیکاری به تفکیک گروه‌های مختلف سنی



مأخذ: همان.

۲-۳. تحولات جنسیتی بازار کار

شواهد نشان می‌دهد همواره طی سال‌های قبل، سهم اشتغال زنان بسیار کمتر از مردان بوده و از آغاز بیماری کرونا اختلاف سهم اشتغال مردان و زنان بسیار شدیدتر از قبل نیز شده است. به گونه‌ای که در تابستان ۱۴۰۰ سهم زنان از کل اشتغال به ۱۴/۹ درصد رسیده که سهم بسیار پایینی است. از ابتدای سال ۱۴۰۰ با کاهش تعداد بیکاران مرد و افزایش تعداد بیکاران زن، سهم زنان از بیکاران افزایش یافته و در تابستان این سال نرخ بیکاری زنان به مراتب بالاتر از مردان و دارای اختلاف حدود ۹/۶ واحد درصدی است.

نمودار ۶. سهم زنان و مردان از تغییرات تعداد شاغلین نسبت به فصل مشابه سال قبل (میلیون نفر)

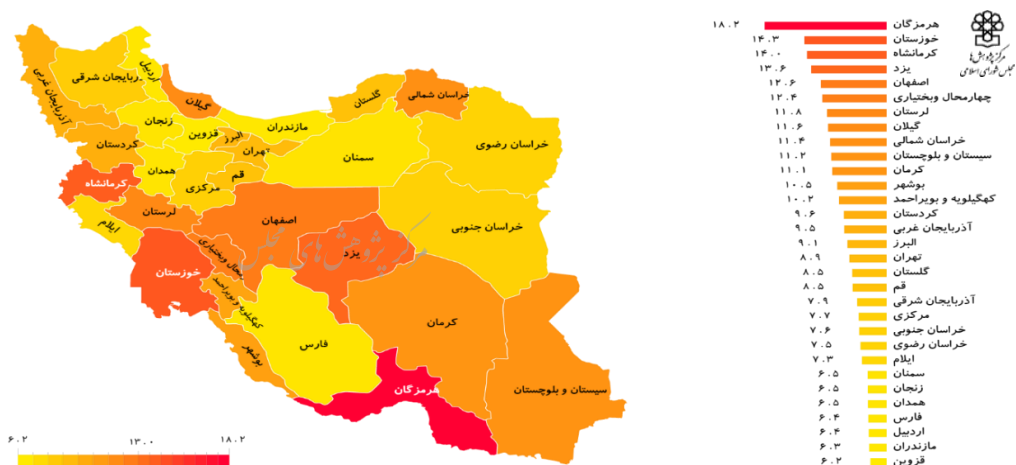


مأخذ: همان.

۴-۲. تحولات منطقه‌ای اشتغال

وضعیت بازار کار استان‌ها نشان می‌دهد که استان‌های کشور از نظر شاخص‌های اصلی بازار کار شامل نرخ مشارکت و نرخ بیکاری، شرایط ناهمگنی دارند. همان‌گونه که در شکل ۱ مشاهده می‌شود در تابستان ۱۴۰۰ استان هرمزگان با ۱۸/۲ درصد بالاترین نرخ بیکاری کشور و استان قزوین با ۶/۲ درصد کمترین نرخ بیکاری کشور را داشته‌اند. همچنین در شکل ۲ مشاهده می‌شود که استان یزد با ۴۸/۵ درصد دارای بیشترین و استان سیستان و بلوچستان با ۳۳/۴ درصد کمترین نرخ مشارکت کشور را در تابستان ۱۴۰۰ داشته‌اند.

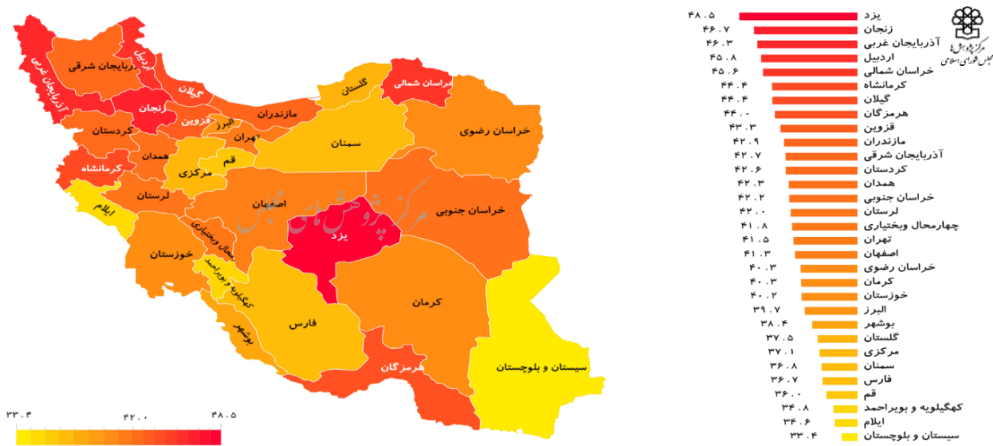
شکل ۱. نرخ بیکاری به تفکیک استان‌های کشور در تابستان ۱۴۰۰



مأخذ: همان.



شکل ۲. نرخ مشارکت به تفکیک استان‌های کشور در تابستان ۱۴۰۰

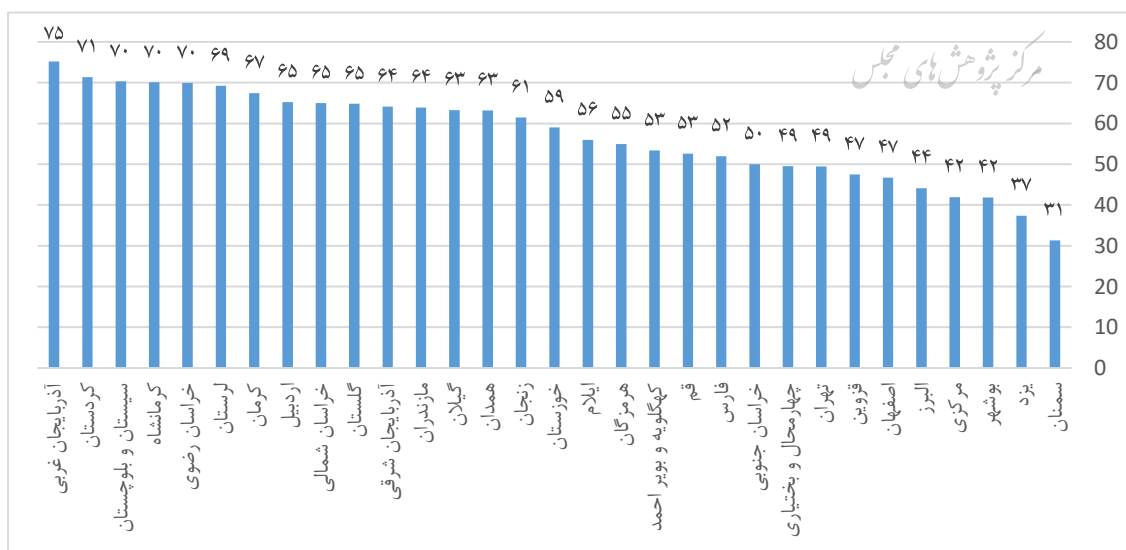


مأخذ: همان.

بررسی‌ها نشان می‌دهد علاوه بر اینکه استان‌های کشور از نظر شاخص‌های مذکور شرایط ناهمگنی دارند، از نظر کیفیت اشتغال (سهم اشتغال غیررسمی، ماهیت مشاغل) نیز این استان‌ها با هم متفاوت هستند و به همین دلیل نمی‌توان نسخه واحدی برای رفع مشکلات بازار کار استان‌ها پیچید و لازم است برای هر استان بسته به شرایط پیش رو، بسته توصیه‌ای ویژه‌ای پیشنهاد داد.

به‌عنوان مثال نمودار زیر سهم اشتغال غیررسمی (افراد فاقد بیمه) استان‌های کشور را در تابستان ۱۴۰۰ نشان می‌دهد. این سهم از ۷۵ درصد در استان آذربایجان غربی تا ۳۱ درصد در استان سمنان متفاوت است.

نمودار ۷. سهم اشتغال غیررسمی (افراد فاقد بیمه) از اشتغال کل هر استان در تابستان ۱۴۰۰ (درصد)



مأخذ: همان.

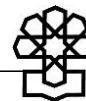
به‌طور کلی هرچند کشور بحران کرونا را تا حدودی پشت سر گذاشته، اما عدم اتخاذ سیاست درست در حوزه بازار کار، فقدان زیرساخت مناسب برای فعالیت بنگاه‌های اقتصادی از جمله بی‌ثباتی‌های اقتصاد کلان و... از عوامل مؤثر بر شرایط بازار کار در سال پیش رو است. در مقایسه با شرایط رکودی ناشی از بحران کرونا در سال ۱۳۹۹، می‌توان برای فصول بعدی (پاییز و زمستان ۱۴۰۰) نسبت به فصول مشابه در سال ۱۳۹۹ آثار بهبود در بازار کار را پیش‌بینی کرد، اما نمی‌توان به استمرار و پایداری این شرایط امیدوار بود و بسته به اینکه دولت چقدر در رفع موانع فوق‌الذکر اهتمام ورزد، پیش‌بینی از وضعیت بازار کار نیز متفاوت خواهد بود. صندوق بین‌المللی پول در آخرین گزارش خود نرخ بیکاری سال ۲۰۲۱ ایران را ۱۰ درصد و سال ۲۰۲۲ را ۱۰/۵ درصد پیش‌بینی کرده است.

۲-۵. عملکرد سیاست‌های دولت در حوزه بازار کار

بدیهی است که ارتباط تنگاتنگ بازار کار با سایر بازارها و شرایط اقتصاد کلان (ثبات اقتصاد کلان، نرخ تورم پایین، پایداری نسبی بازار ارز، بودجه متوازن دولت، بهبود محیط کسب‌وکار و سایر مواردی که سبب پیش‌بینی‌پذیری یک اقتصاد می‌شوند)، ایجاب می‌نماید که موارد فوق شرط لازم برای بهبود و رونق بازار کار باشد و لذا عملکرد دولت در تحقق این موارد به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بازار کار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در کنار این موارد عملکرد سیاست‌های بازار کار و تعیین نرخ حداقل دستمزد نیز از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر روند متغیرها و شاخص‌های بازار کار است.

الف) عملکرد بند «الف» تبصره «۱۸» قانون بودجه سال ۱۴۰۰

مهم‌ترین سیاست‌های اتخاذ شده برای سال ۱۴۰۰ در سال ۱۳۹۹، اختصاص منابع اشتغال‌زایی در بند «الف» تبصره «۱۸» قانون بودجه ۱۴۰۰ است. اما ارزیابی‌ها حاکی از آن است که اجرایی شدن بند مذکور با چالش‌های فراوانی مواجه شده است؛ به‌گونه‌ای که از ۳۲ هزار میلیارد تومان مصرح در متن قانون که با هدف تسهیل در ایجاد فرصت‌های شغلی و کارآفرینی صورت گرفته، با گذشت ۹ ماه از سال و علی‌رغم تخصیص ۸۰۰۸ میلیارد تومان از منابع به دستگاه‌های مشمول در بند مذکور تا مورخ ۱۴۰۰/۷/۲۸، برای اجرای برنامه‌ها و طرح‌های اشتغال‌زایی در سطح کشور منابعی صرف نشده است. این موضوع به کوتاهی دستگاه‌های اجرایی مسئول در ارائه برنامه‌های اشتغال‌زایی خود در موعد مقرر، ناهماهنگی میان دستگاه‌ها و نهادهای متولی همچون بانک‌های عامل و همچنین به ابهام در نحوه وصول و هزینه‌کرد منابع حاصل از ردیف (۲۸) تبصره «۱۴» قانون بودجه ۱۴۰۰ کل کشور توسط سازمان هدفمندی یارانه‌ها باز می‌گردد. به‌طور کلی ارزیابی سیاست‌های اشتغال‌زایی دولت در سال‌های اخیر نشان می‌دهد: اولاً، سیاستگذاری جامعی در حوزه بازار کار و رفع مشکلات آن انجام نشده و ثانیاً، اجرای همین سیاست‌های معیوب فعلی نیز عملکرد موفقی نداشته است.

**ب) تعیین حداقل دستمزد ۱۴۰۰**

یکی دیگر از سیاست‌های حوزه بازار کار، تعیین سالیانه حداقل دستمزد است. متناسب با ماده (۴۱) قانون کار، برای تعیین حداقل دستمزد در ایران دو معیار نرخ تورم و حفظ قدرت خرید خانوار در نظر گرفته می‌شود و بر این اساس میزان حداقل مزد و حقوق کارگران در سال ۱۴۰۰، با ۳۹ درصد افزایش به شرح جدول زیر تعیین و تعریف شد.

جدول ۳. میزان حداقل مزد و حقوق کارگران در سال ۱۴۰۰

ریال	عنوان
۸۸۵،۱۶۵	دستمزد روزانه
۲۶،۵۵۴،۹۵۰	دستمزد ماهیانه
۶۰۰،۰۰۰	بن کارگری (ماهیانه)
۴،۵۰۰،۰۰۰	هزینه مسکن
۲۶۵۵۴۹۵	کمک هزینه عائله‌مندی (حق اولاد برای هر فرزند در هر ماه)
۴۶۶۶۷	پایه سنواتی روزانه

Source: <https://www.mcls.gov.ir>

با افزایش ۳۹ درصدی، مزد روزانه حداقل‌بگیران به ۸۸۵۱۶۵ ریال و پایه مزد ماهیانه به ۲۶۵۶۲۹۰۰ ریال رسید. برای سایر سطوح نیز افزایش ۲۶ درصدی و مقدار ثابت روزانه ۸۲۷۸۵ ریال (ماهیانه ۲۴۸۳۵۵۵ ریال) مصوب شد. به این ترتیب، حداقل دستمزد برای یک کارگر با ۱/۳ فرزند با احتساب بن ۶۰۰ هزار تومانی، سنوات ۱۴۰ هزار تومانی و حق مسکن ۴۵۰ هزار تومانی به ۴۱۹۰۷۰۷۷ ریال رسید.

آسیب‌شناسی سازوکار تعیین حداقل دستمزد در ایران نشان می‌دهد دولت راهکار مشخصی برای تعیین حداقل دستمزد ندارد و به همین دلیل در تعیین حداقل دستمزد، صرفاً نقش میانجیگری را دارد. از یک طرف براساس ماده (۴۱) قانون کار حداقل دستمزد بایستی براساس نرخ تورم و هزینه معیشت خانوار تعدیل شود و از طرف دیگر ۶۵ درصد از اشتغال‌زایی کشور در بنگاه‌های خرد و کوچک است و با توجه به سهم بالای دستمزد در هزینه‌های تولید این دست بنگاه‌ها، تعدیل حداقل مزد با تورم بار زیادی بر این بنگاه‌ها اضافه خواهد کرد. علی‌رغم وجود پتانسیل قانونی در ماده (۴۱) قانون کار، مبنی بر تعیین دستمزد برای نقاط مختلف کشور یا صنایع مختلف، در عمل صرفاً یک حداقل دستمزد سراسری اعلام می‌شود و شورای عالی کار در این خصوص راهکار و پاسخگویی مشخصی ندارد.

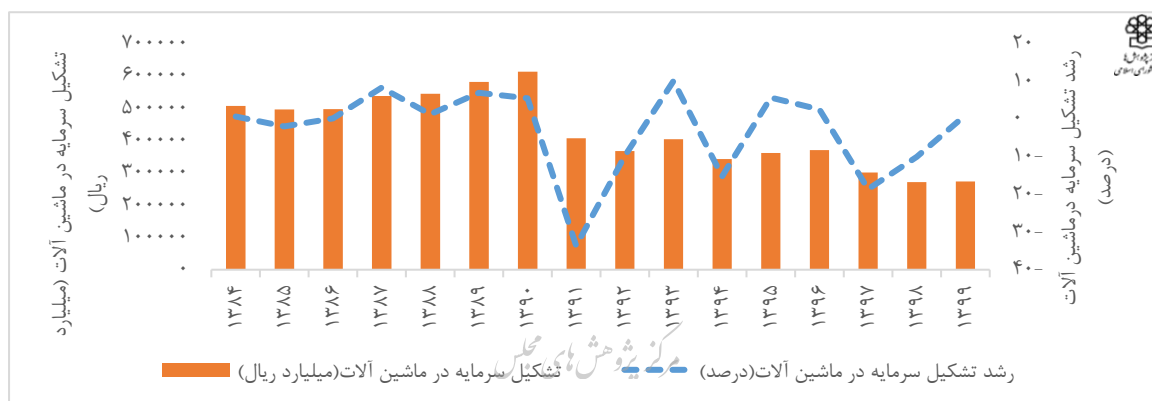
۳. سرمایه‌گذاری و موجودی سرمایه

دو عامل مهم در ثبات رشد اقتصادی، ۱. افزایش میزان موجودی سرمایه و ۲. بهره‌وری است که هر دو این عوامل در نتیجه سرمایه‌گذاری محقق می‌شود. تشکیل سرمایه ناخالص پس از کسر استهلاک، میزان موجودی سرمایه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در صورتی که میزان تشکیل سرمایه بتواند میزان استهلاک را پوشش دهد میزان موجودی سرمایه افزایش خواهد یافت.

تشکیل سرمایه ثابت ناخالص متشکل از دو بخش ساختمان و ماشین‌آلات است، که در ادامه روند تاریخی هر کدام مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

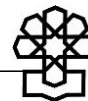
– تشکیل سرمایه ماشین‌آلات: بررسی روند تاریخی تشکیل سرمایه ثابت در ماشین‌آلات، نشان‌دهنده این است که این متغیر در سال ۱۳۹۰ به اوج خود رسید، اما بعد از آن همان‌گونه که در نمودار ۸ مشاهده می‌شود با شدت گرفتن تحریم‌ها، کاهش ۳۴ درصدی را در سال ۱۳۹۱ تجربه کرد. تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات تا قبل از سال ۱۳۹۷ که دور جدید تحریم‌ها آغاز شد عمدتاً روندی افزایشی داشته (جز در سال ۱۳۹۴)، اما مقدار آن در برابر کاهش تجربه شده در سال ۱۳۹۱ ناچیز است. افزایش تشکیل سرمایه در بخش ماشین‌آلات تولید داخل، علی‌رغم کاهش ۱۳ درصدی واردات کالاهای سرمایه‌ای، موجب رشد ۰/۹ درصدی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش ماشین‌آلات در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال قبل شده است. براساس آمار حساب‌های ملی فصلی مرکز آمار ایران و بانک مرکزی، تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات در ۶ماهه اول ۱۴۰۰ به ترتیب با رشد ۳/۸ و ۹ درصدی مواجه شده که رشد ۲۱ درصدی واردات کالاهای سرمایه‌ای در ۶ماهه اول ۱۴۰۰ در مقایسه با مدت مشابه سال قبل مؤید آمار مذکور است.

نمودار ۸. مقایسه تشکیل سرمایه ناخالص در ماشین‌آلات ۱۳۸۴-۱۳۹۹ (قیمت ثابت سال ۱۳۹۰)



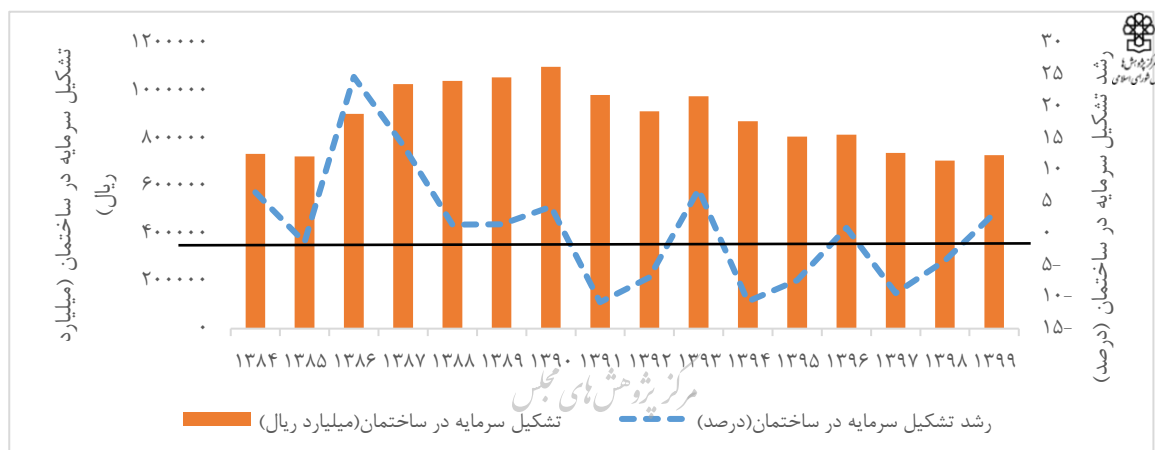
مأخذ: بانک مرکزی.

۱. سازمان توسعه تجارت، آمار واردات به تفکیک کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای.



– تشکیل سرمایه ساختمان: بررسی روند تاریخی تشکیل سرمایه ثابت در ساختمان، نشان‌دهنده این است که این متغیر نیز در سال ۱۳۹۰ به اوج خود رسید، اما بعد از آن همان‌گونه که در نمودار ۹ مشاهده می‌شود با رکود بازار مسکن و شدت گرفتن تحریم‌ها، کاهش ۱۱ درصدی را در سال ۱۳۹۱ تجربه کرد. از سال ۱۳۹۱ به بعد وضعیت تشکیل سرمایه در بخش ساختمان بجز سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶ همواره منفی بوده است. نرخ رشد ۳/۱ درصدی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در بخش ساختمان در سال ۱۳۹۹، به دلیل افزایش تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ساختمان در بخش خصوصی حاصل شده است. براساس آمار حساب‌های ملی فصلی مرکز آمار و بانک مرکزی، تشکیل سرمایه ساختمان طی ۶ ماهه اول ۱۴۰۰ به ترتیب با رشد ۷/۱ و ۱۶/۲- درصدی مواجه شده که نشان از ثبات آماری در این حوزه دارد.

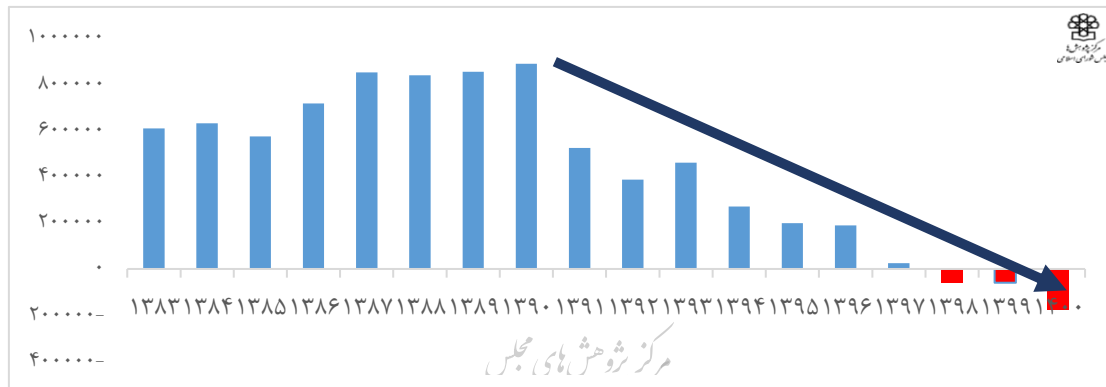
نمودار ۹. مقایسه تشکیل سرمایه ناخالص در ساختمان ۱۳۸۴-۱۳۹۹ (قیمت ثابت سال ۱۳۹۰)



مأخذ: همان.

– تشکیل سرمایه ثابت خالص: پس از کسر استهلاک سرمایه‌های ثابت از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، تشکیل سرمایه ثابت خالص به دست می‌آید. همان‌گونه که در نمودار ۱۰ مشاهده می‌شود، از سال ۱۳۹۰ تشکیل سرمایه ثابت خالص، وارد روند نزولی شده و همچنین طی سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ منفی گزارش شده است. بدین معنا که میزان تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در این دو سال از میزان استهلاک کمتر بوده و در نتیجه در این دو سال موجودی سرمایه اقتصاد کاهش یافته است. براساس آمار حساب‌های ملی مرکز آمار ایران و بانک مرکزی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۰ به ترتیب با رشد ۵/۴ و ۸/۹- درصدی مواجه شده است. با فرض تداوم رشد ۸/۹- درصدی بانک مرکزی در ادامه سال ۱۴۰۰ و همچنین رشد ۲/۵ درصدی استهلاک سرمایه‌های ثابت در سال ۱۴۰۰ (میانگین ۵ ساله رشد استهلاک)، تشکیل سرمایه ثابت خالص در سال ۱۴۰۰ منفی برآورد می‌شود که نشان‌دهنده کاهش موجودی سرمایه در سال ۱۴۰۰ است.

نمودار ۱۰. تشکیل سرمایه ثابت خالص ۱۴۰۰-۱۳۸۳ (قیمت ثابت سال ۱۳۹۰- میلیارد ریال)



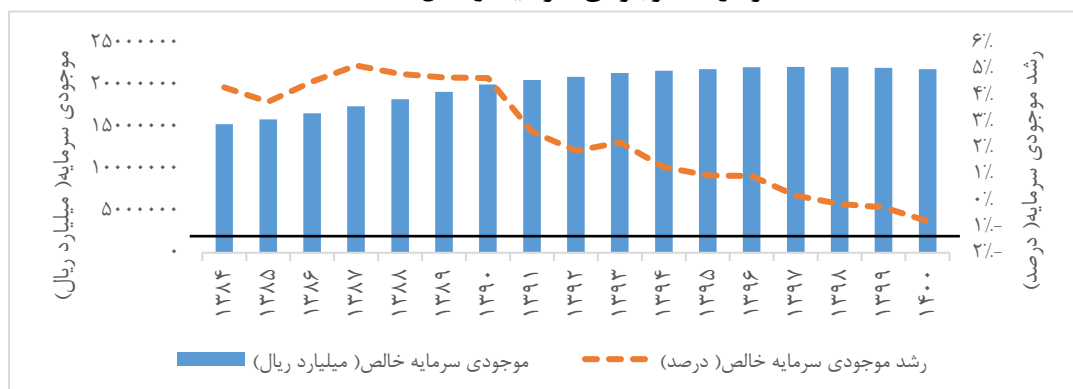
مأخذ: همان.

توضیح: برآورد سال ۱۴۰۰ براساس فرض تداوم رشد ۸/۹- درصدی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۶ ماهه مرکزی برای کل سال و رشد ۲/۵ درصدی استهلاک است. گفتنی است با فرض گرفتن رشد ۵/۴ درصدی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۶ ماهه مرکز آمار برای کل سال، همچنان تشکیل سرمایه خالص در سال ۱۴۰۰ منفی برآورد می‌شود. هرچند که میزان آن کمتر از برآورد انجام شده براساس آمار بانک مرکزی خواهد بود.

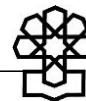
نتایج برآورد مذکور بیانگر آن است که رشد موجودی سرمایه در اقتصاد ایران برای سومین

سال متوالی منفی خواهد بود که این موضوع از منظر اثرگذاری بر رشد بالقوه اقتصاد ایران بسیار نگران‌کننده است. ادامه روند مذکور باعث نگرانی‌هایی برای پشتیبانی از تحقق رشد اقتصادی بالا و دستیابی به اهداف رفاهی و اشتغال برای سال‌های آتی شده است. لذا باید تلاش شود با در پیش گرفتن سیاست‌های بودجه‌ای، پولی، تجاری و ارزی مناسب در کنار اصلاحات ساختاری به منظور ثبات اقتصادی و کاهش نااطمینانی، حمایت از فعالان اقتصادی داخلی و فراهم کردن زمینه‌های مناسب جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی جلوی کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش ظرفیت‌های تولیدی آینده کشور گرفته شود.

نمودار ۱۱. موجودی سرمایه از سال ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۰

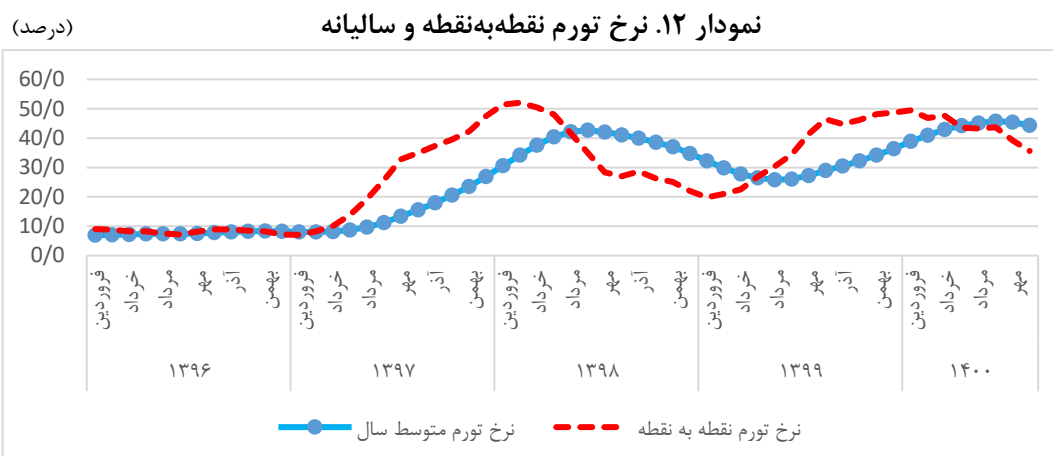


مأخذ: همان.



۴. تورم

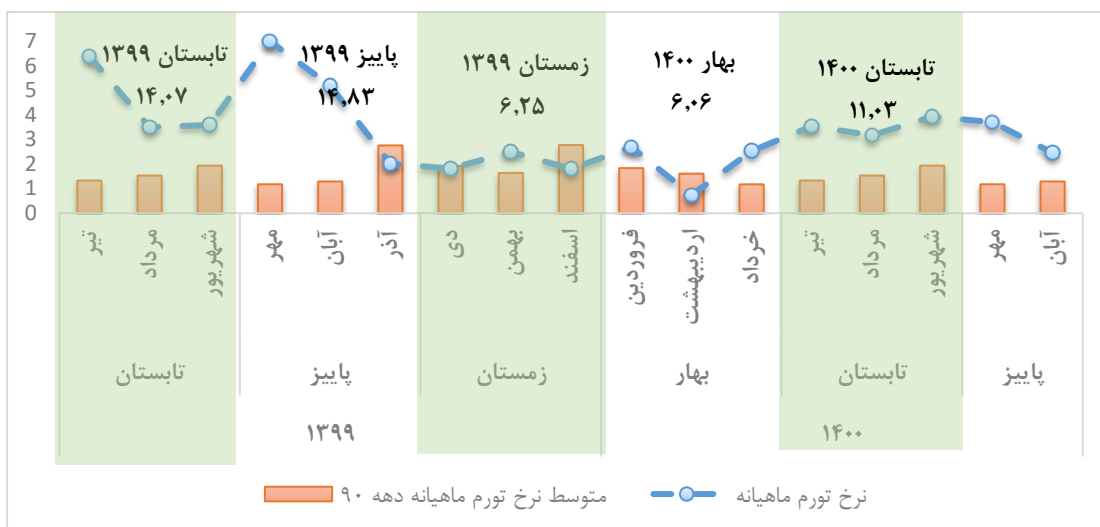
نرخ تورم از سال ۱۳۹۷ به بعد روند فزاینده‌ای را گرفته است، به طوری که شاخص قیمت در آبان‌ماه ۱۴۰۰ نسبت به اسفندماه ۱۳۹۶ در حدود ۲۳۵ درصد رشد کرده است. همچنین نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه در آبان‌ماه ۱۴۰۰ نسبت به آبان‌ماه ۱۳۹۹ به ۳۵/۷ درصد رسیده است. به طور کلی اقتصاد ایران از سال ۱۳۹۷ در وضعیت بی‌ثباتی به سر می‌برد. درآمدهای ارزی با کاهش مواجه شد، مصارف دولت متناسب با منابع کاهش نیافت، درآمدهای ارزی حاصل از نفت و گاز دولت به قیمت ۴۲۰۰ تومان برای تأمین کالای اساسی تخصیص داده شد، منابع پایداری برای کسری بودجه پیش‌بینی نشد؛ این عوامل موجب جهش نرخ ارز، رشد قابل توجه پایه پولی، افزایش شدید انتظارات تورمی و تغییر در ترکیب نقدینگی شده که در نهایت همه این بی‌ثباتی‌ها خود را در نرخ تورم نشان می‌دهد.



مأخذ: مرکز آمار ایران.

همان‌طور که در نمودار ۱۲ مشخص است، به نظر می‌رسد نرخ تورم از سال ۱۳۹۷ وارد سطح جدیدی شده و کاهش‌های موقتی در این نرخ نتوانسته تا نرخ تورم اقتصاد ایران را به تعادل‌های قبلی بازگرداند. اصولاً تورم به‌عنوان یک متغیر اقتصاد کلان، نمادی از بی‌ثباتی‌ها در اقتصاد کلان بوده و بی‌انضباطی در بودجه دولت، شبکه بانکی و بانک مرکزی خود را در تورم نشان می‌دهد.

نمودار ۱۳. نرخ تورم ماهیانه و فصلی

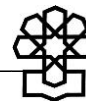


مأخذ: همان.

همان‌طور که در نمودار ۱۳ مشخص است، نرخ تورم در ۱۴ ماه اخیر (و پیش از آن) تقریباً در تمامی ماه‌ها از نرخ تورم متوسط ۱۰ ساله (در ماه مشابه) بیشتر بوده است. نرخ تورم در مهرماه ۱۳۹۹ به قله ۷ درصد رسیده که بالاترین نرخ تورم پس از تورم ۷/۱ درصدی شهریورماه ۱۳۹۷ در یک دهه گذشته بوده است. پس از آن با کاهش انتظارات تورمی و خوش‌بینی بازار و مردم به ثبات نسبی نرخ ارز و تغییر در فضای بین‌المللی، نرخ تورم روند کاهشی گرفته، اما رفتار آن به‌گونه‌ای نبوده که به وضعیت با ثبات رسیده باشد و همچنان نرخ تورم روندی بی‌ثبات داشته و نرخ تورم ماهیانه در سال ۱۴۰۰ به طور متوسط ۲/۸ درصد بوده است.

نرخ تورم بالا و بی‌ثبات در هر اقتصادی هرگونه تصمیم‌گیری در آن اقتصاد را دشوار کرده و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی بلندمدت را تقریباً ناممکن می‌سازد. کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش تقاضای سفته‌بازی پول، کسب سود از بازارهای دارایی غیرمولد و سپس خروج سرمایه، نتیجه یک دوره تورمی طولانی و نبود افق مشخصی از ثبات در یک اقتصاد است. به همین جهت زمانی که نرخ تورم بالا و بی‌ثبات است، کاهش تورم و بازگرداندن ثبات به اقتصاد، باید در رأس سیاست‌ها و اقدامات دولت قرار گیرد. در چنین شرایطی هرگونه سیاست انبساطی مالی و پولی به بهانه رشد اقتصادی، نه تنها نمی‌تواند رشد اقتصادی بیافریند، بلکه باعث بیشتر شدن تورم خواهد شد.

برای کاهش تورم، لازم است تا نگاهی اجمالی به دلایل تورم داشته باشیم. در بررسی دلایل تورم باید توجه داشت که تورم مزمن اقتصاد ایران نمی‌تواند متأثر از یک سیاست پولی و مالی در یک دوره مشخص باشد، بلکه ترکیبی از نهادها و ساختارهای اقتصاد ایران، تورم مزمن دورقمی را ایجاد کرده و برای عبور از این تورم، لازم است تا اصلاحات ساختاری در اقتصاد رخ دهد.



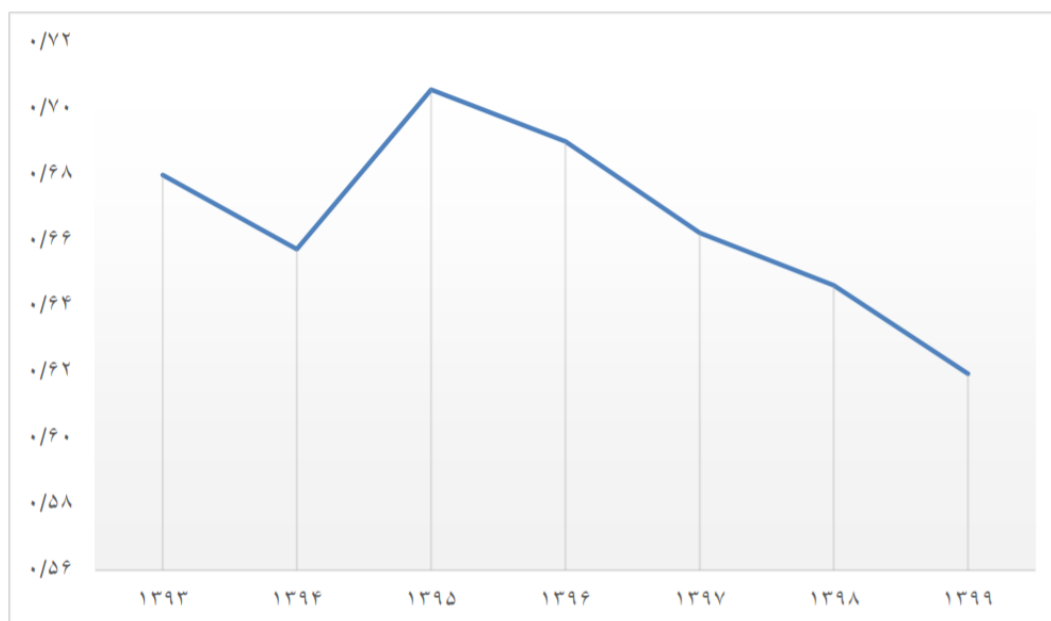
۴-۱. عوامل مؤثر بر نرخ تورم

در این بخش پس از بررسی رابطه سیاست مالی و پولی با تورم، رابطه افزایش نرخ ارز و تورم مورد بررسی قرار می‌گیرد و در انتها به بررسی چشم‌انداز تورم در سال ۱۴۰۱ خواهیم پرداخت.

الف) سیاست مالی و تورم

یکی از دلایل بی‌ثباتی در اقتصاد ایران، بودجه دولت و نحوه تأمین کسری بودجه دولت است. در حالی که دولت دچار کسری تراز عملیاتی پایدار است، تمهیدات قانونی و اجرایی لازم برای پوشش این کسری فراهم نشده است. در طول سال‌های گذشته به‌طور مکرر نسبت درآمدهای دولت به هزینه‌های آن کاهش یافته، اما تلاشی برای افزایش درآمدهای دولت شکل نگرفته است.

نمودار ۱۴. نسبت درآمدها به هزینه‌های دولت (۱۳۹۳-۱۳۹۹)



مأخذ: گزارش بررسی عملکرد قانون بودجه ۱۳۹۹ مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۷۸۶۷.

کاهش نسبت درآمد به هزینه‌ها در حالی است که درآمدهای نفتی دولت نیز در سال‌های اخیر کاهش داشته است. به‌طوری که در سال ۱۳۹۹ تنها ۲۸ درصد از درآمد پیش‌بینی شده از فروش نفت و فراورده‌های نفتی محقق شده که تنها برابر ۱۶ هزار میلیارد تومان بوده است.

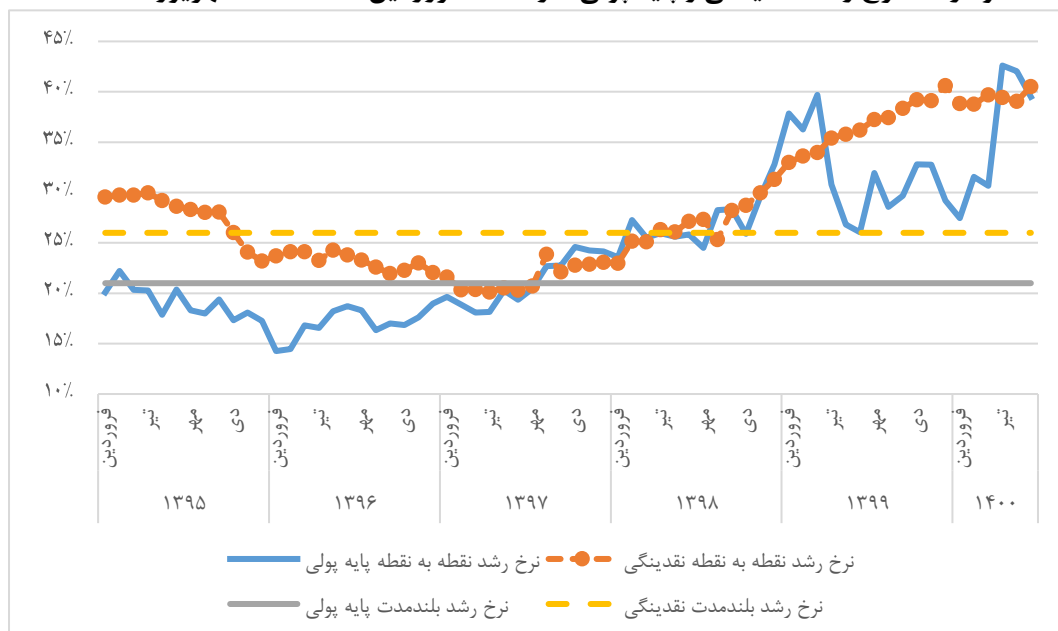
این روند برای سال ۱۴۰۰ نیز وجود داشته و نسبت درآمدها به هزینه‌های دولت در ۷ ماهه ۱۴۰۰ به ۶۴ درصد رسیده است؛ این در حالی است که در ۷ ماهه اول این سال، درصد تحقق درآمدهای حاصل از نفت و فراورده‌های نفتی تنها ۱۶ درصد بوده است. علاوه بر کسری بودجه تأمین شده به‌واسطه فروش

اوراق توسط دولت، عملکرد ۷ ماهه دولت نشان می‌دهد که در حدود ۵۳ هزار میلیارد تومان نیز از تنخواه بانک مرکزی استفاده شده است. بنابراین ۵۳ هزار میلیارد تومان از تأمین مالی دولت نیز از محل پایه پولی صورت گرفته که رقم قابل توجهی است. اضافه شدن این مقدار به پایه پولی (رقم پایه پولی در پایان سال ۱۳۹۹) به معنای رشد ۱۱/۵ درصدی پایه پولی تنها از این محل است. در کنار این موضوع، رشد پایه پولی از محل تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی (به دلیل خرید ارز توسط بانک مرکزی به نرخ نیما و فروش ارز به نرخ ۴۲۰۰ تومان که منجر به رشد رقم خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی (بدون تغییر ارزش دلاری ذخایر ارزی) می‌شود) نیز هست که به خصوص از ابتدای مهرماه بر پایه پولی اثرگذار بوده است.

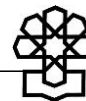
ب) سیاست پولی و تورم

همان‌طور که در نمودار ۱۵ مشخص است، رشد پایه پولی و نقدینگی از نیمه ۱۳۹۷ روند فزاینده به خود گرفته و در تابستان ۱۴۰۰ به بالاترین مقدار خود رسیده است. در نمودار ۱۵ میانگین رشد ۱۰ ساله پایه پولی و نقدینگی نیز رسم شده است. همان‌طور که مشخص است، از اواسط سال ۱۳۹۷ رشد پایه پولی و از اواسط ۱۳۹۸ به بعد رشد نقدینگی فراتر از میانگین بلندمدت خود قرار گرفته است. بنابراین کل‌های پولی تحت تأثیر کسری بودجه دولت، ناترازی شبکه بانکی و جهش‌های ارزی، رشدهای قابل توجهی طی چند سال اخیر و به خصوص از سال ۱۳۹۷ به بعد داشته‌اند که اثر آن بر روی تورم و بی‌ثباتی اقتصاد کلان نمایان شده است.

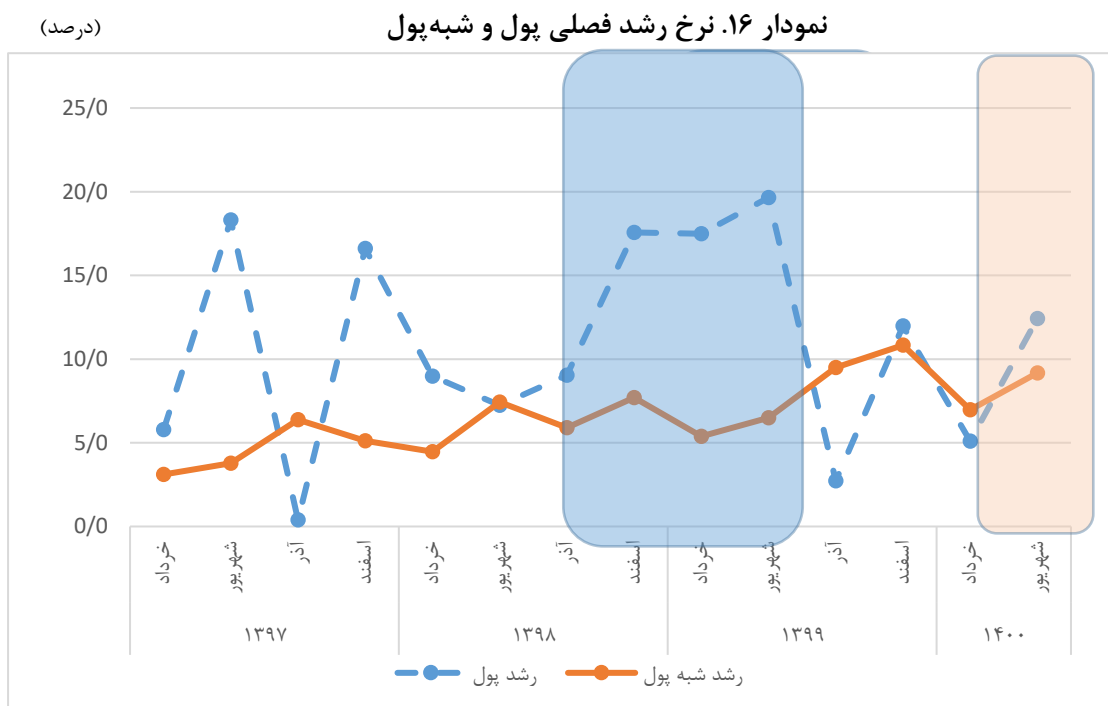
نمودار ۱۵. نرخ رشد نقدینگی و پایه پولی (درصد) - فروردین‌ماه ۱۳۹۵ - شهریورماه ۱۴۰۰



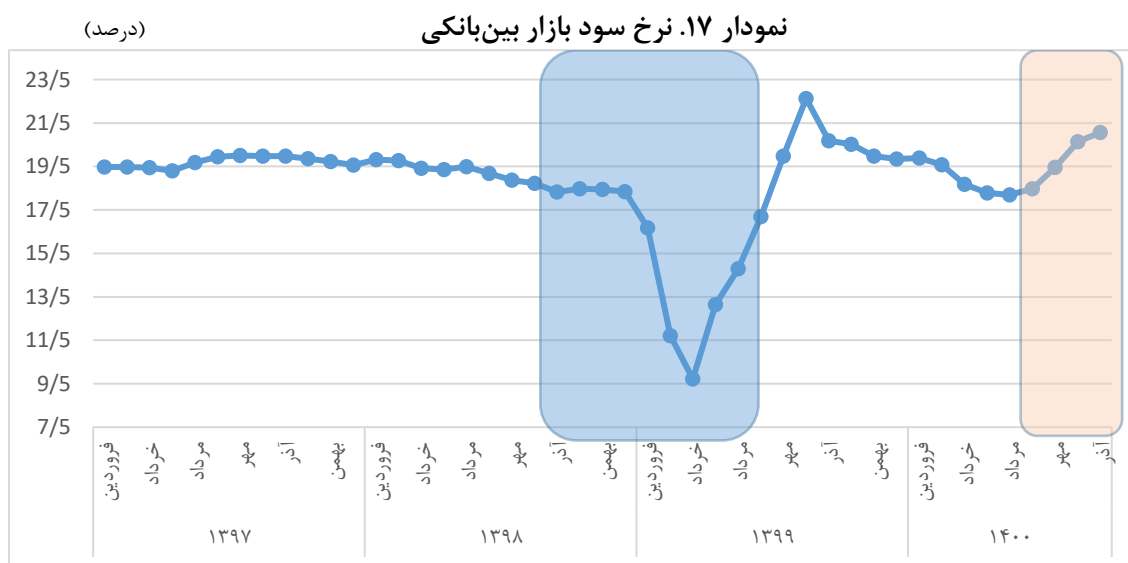
مأخذ: بانک مرکزی.



علاوه بر این، تغییر در ترکیب نقدینگی که اتفاقاً نقش بانک مرکزی به‌عنوان سیاستگذار پولی در آن پُررنگ‌تر است نیز بر تورم تأثیرگذار بوده است. بانک مرکزی باید بتواند از طریق اثرگذاری بر نرخ سود در بازار بین‌بانکی، تغییر در ترکیب نقدینگی را تا حد امکان کنترل کند.



مأخذ: همان.



مأخذ: همان.

دو بازه زمانی متناظر در نمودارهای ۱۶ و ۱۷ مشخص شده است. بازه زمانی اولی، فاصله آذرماه ۱۳۹۸ تا شهریورماه ۱۳۹۹ است که در آن انتظارات تورمی به شدت بالا بوده و رشد پول نسبت به رشد شبه پول پیشی گرفته است. در این بازه، بانک مرکزی به جای آنکه نرخ سود در بازار بین بانکی را افزایش دهد، اقدام مؤثری جهت جلوگیری از کاهش بی سابقه نرخ سود در بازار بین بانکی نکرد و ملاحظه می شود که نرخ سود در خردادماه ۱۳۹۹ در حداقل مقدار و برخلاف آن رشد شبه پول در بالاترین مقدار است.

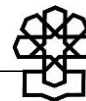
ج) بانک مرکزی و نظارت بر شبکه بانکی

هرچند به نظر می رسد در دو سال اخیر، اصلی ترین موتور رشد تورم در کشور کسری بودجه دولت و نحوه تأمین مالی کسری بودجه بوده، اما همان طور که همواره نیز اشاره شده، ناترازی های موجود در شبکه بانکی کشور نیز در کنار کسری بودجه، یکی از دلایل اصلی تورم در اقتصاد ایران (خصوصاً در دهه ۹۰) بوده است. رشد قابل ملاحظه ناترازی شبکه بانکی و ثبت دارایی های موهومی طی سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ در شبکه بانکی که به موتور رشد نقدینگی در کشور تبدیل شده بود، موجب شد تا در سال ۱۳۹۷ نقدینگی انباشت شده طی سال های قبلی، با سرعت بیشتری به تورم تبدیل شود. بنابراین حتی اگر کسری بودجه نیز تا حدودی کنترل شود، بدون نظارت بر شبکه بانکی کشور، نمی توان تورم را کنترل کرد. تورم ساختاری و مزمن اقتصاد ایران که برای سال ها تورم را به طور متوسط در حدود ۲۰-۲۵ درصد حفظ کرده ماحصل مجموعه ای از عوامل است که اصلی ترین های آن نظام بانکی و کسری بودجه دولت است. بنابراین هرچند در شرایط فعلی برای کاهش تورم از سطوح ۵۰-۴۰ درصد، به سطوح قبلی زیر ۳۰ درصد، نیازمند جلوگیری از هرگونه پولی شدن کسری بودجه و کنترل کسری بودجه هستیم، اما هم زمان نظارت بر شبکه و کنترل ترازنامه بانک ها نیز نباید مغفول بماند.

شورای پول و اعتبار در آبان ماه ۱۳۹۹ «سیاست احتیاطی کنترل رشد ترازنامه شبکه بانکی» را مصوب کرد، اما در این سال عملکرد مناسبی نداشت. بانک مرکزی در سال ۱۴۰۰ سعی بر اجرای این مصوبه (رشد ماهیانه بین ۲ تا ۲/۵ درصد ترازنامه بانک ها) داشت، اما به دلیل مشکلات جدی در طراحی این سیاست، عملاً به شکل مناسب اجرایی نشده است.

د) افزایش نرخ ارز و انتظارات تورمی

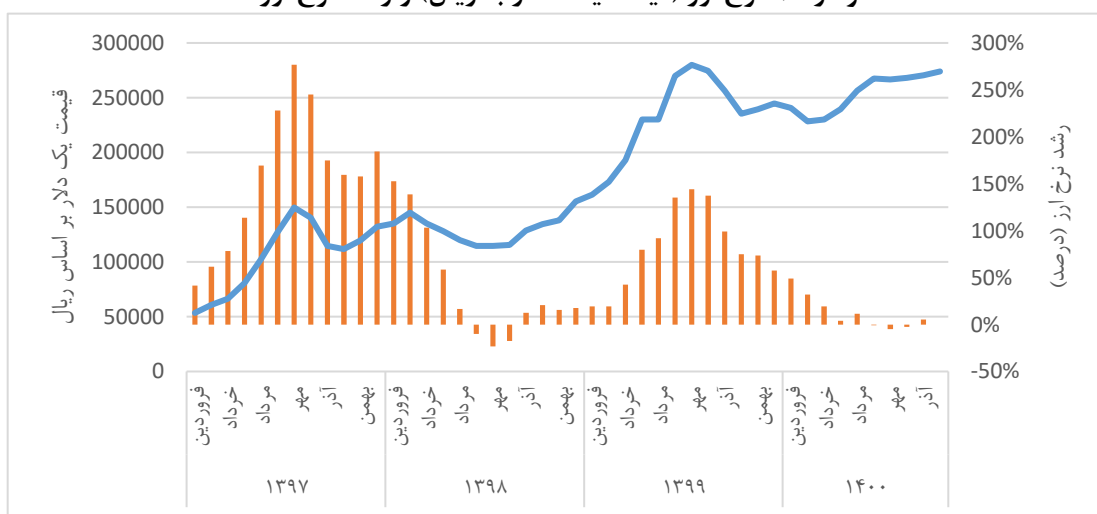
یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار بر نرخ تورم در بازه زمانی اخیر افزایش نرخ ارز بوده است. نرخ ارز از چند مسیر باعث افزایش نرخ تورم می شود. نرخ ارز هم شاخص قیمت مصرف کننده برای کالاهای نهایی وارداتی، هم شاخص قیمت تولیدکننده برای نهاده های وارداتی و هم انتظارات تورمی را افزایش می دهد. افزایش نرخ ارز از سال ۱۳۹۷ به بعد از جمله مهم ترین عوامل رشد شاخص قیمت ها بوده است. افزایش نرخ ارز به طور مستقیم منجر به رشد شاخص قیمت مصرف کننده می شود و به واسطه افزایش



قیمت مواد اولیه، شاخص قیمت تولیدکننده را نیز افزایش می‌دهد. همچنین از آنجایی که تولیدکننده افزایش نرخ ارز را تقریباً دائمی تلقی می‌کند (با توجه به شرایط اقتصاد ایران) این افزایش سریعاً در قیمت‌های نهایی تولیدکننده نمایان می‌شود.

از طرف دیگر نرخ ارز لنگر انتظارات تورمی در ایران است. افزایش در نرخ ارز انتظارات تورمی را افزایش داده موجب تغییر در ترکیب نقدینگی و بالا رفتن سهم شبه پول از نقدینگی می‌شود. درحقیقت هنگامی که انتظارات تورمی افزایش می‌یابد، مردم خرید فردا را به امروز منتقل می‌کنند، این موضوع باعث می‌شود هم ترکیب نقدینگی عوض شده و سرعت گردش پول افزایش یابد، هم اینکه با افزایش تقاضا، عرضه نمی‌تواند پاسخ‌گوی سریع تقاضا بوده و افزایش قیمت بیشتری رخ می‌دهد. افزایش نرخ ارز از یک طرف و افزایش تورم در طرف دیگر، نیاز به سرمایه در گردش بنگاه‌ها را افزایش داده و در نتیجه منجر به تقاضای بیشتر بازار برای نقدینگی شده و در نهایت رشد نقدینگی را نیز افزایش می‌دهد که خود تورم‌های بعدی را در پی دارد.

نمودار ۱۸. نرخ ارز (قیمت یک دلار به ریال) و رشد نرخ ارز



مأخذ: نرخ ارز سنا براساس sanarate.ir

۲-۴. چشم‌انداز تورم در سال ۱۴۰۱

همان‌طور که اشاره شد، در حال حاضر موتور رشد تورم در کشور، کسری بودجه دولت است. دولت بدون اصلاح در ساختار بودجه، کنترل رشد هزینه‌ها و ایجاد منابع درآمدی جدید برای پوشش کسری بودجه، نمی‌تواند تورم را کنترل کند و در صورتی که روند فعلی پیش برود، قطعاً تورم‌های فزاینده‌ای در انتظار اقتصاد ایران خواهد بود. در چنین شرایطی اگر دولت سیاست‌های متناسب با کنترل تورم را به اجرا گذارد، می‌توان انتظار داشت که تورم در سال ۱۴۰۱ در محدوده ۲۵-۳۵ درصد باقی بماند. اما در صورتی که رویه

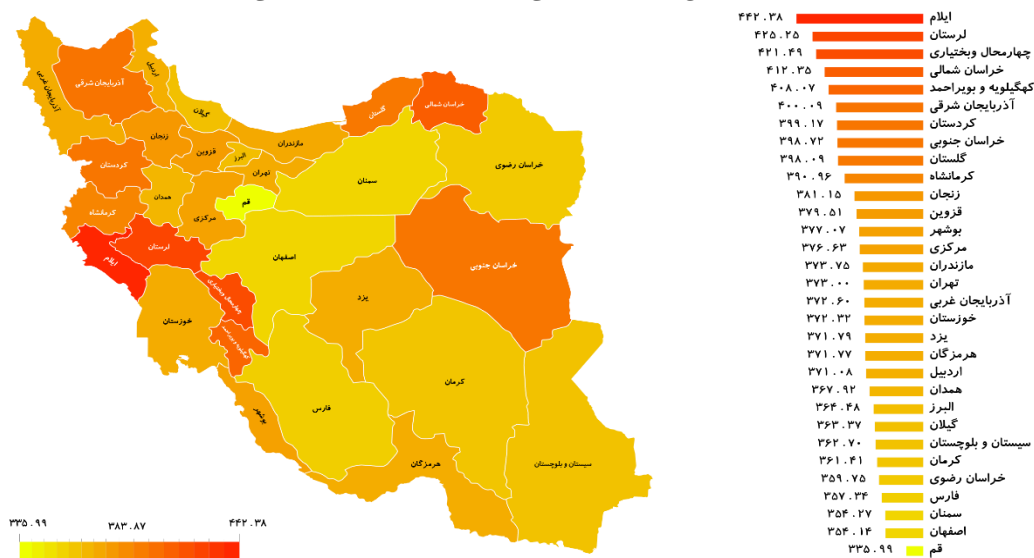
بودجه‌ریزی سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ تکرار شود، عملاً کسری بودجه دولت از مسیر پایه پولی تأمین خواهد شد و می‌توان انتظار تورم‌های فزاینده را داشت. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در آخرین گزارش خود نرخ تورم ایران در سال ۲۰۲۲ (۱۴۰۱) را به ترتیب ۲۷/۵ و ۴۱/۶ درصد پیش‌بینی کرده‌اند.

۴-۳. تصویر استانی افزایش هزینه‌های زندگی

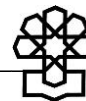
تورم‌های بالا و پرنوسان علاوه بر آنکه موجب بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان می‌شود، سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و با رکود اقتصادی همراه است، قدرت خرید خانوار را نیز به شدت کاهش داده سفره خانوار را روزبه‌روز تنگ‌تر می‌کند. فشار تورمی از سال ۱۳۹۷ به بعد باعث شده تا خانوارهای ایرانی با کاهش قابل ملاحظه در قدرت خرید مواجه باشند.

در حقیقت سال ۱۳۹۵ که پایه شاخص قیمت مصرف‌کننده نیز هست، آخرین سالی است که تورم وضعیت باثبات نسبی داشته است. از زمستان ۱۳۹۶ قیمت‌ها در بازار دارایی‌ها روند فزاینده گرفتند و پس از آن نرخ تورم رو به افزایش گذاشت. با این حال این موضوع نیز جالب توجه است که هرچند نرخ تورم در کل کشور روند فزاینده داشته، اما وضعیت استان‌ها نیز با یکدیگر متفاوت بوده است. عدد شاخص قیمت استانی در آبان‌ماه ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۵ تاکنون، قیمت‌ها در هر استان چطور رشد کرده است. در شکل زیر استان‌ها براساس عدد شاخص قیمت مرتب شده‌اند و شاخص قیمت بالاتر به این معناست که از سال ۱۳۹۵ قیمت‌ها و در نتیجه هزینه زندگی در این استان بیش از سایر استان‌ها رشد داشته است.

شکل ۳. شاخص قیمت در آبان‌ماه ۱۴۰۰ به تفکیک استان



مأخذ: مرکز آمار ایران - اعداد شاخص قیمت در آبان‌ماه هستند که چند برابر شدن قیمت‌ها در هر استان نسبت به (شهریورماه) سال ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد. به عنوان مثال در حالی که سطح عمومی قیمت‌ها در ایلام ۴/۴ برابر شده در قم ۳/۳ برابر شده است.



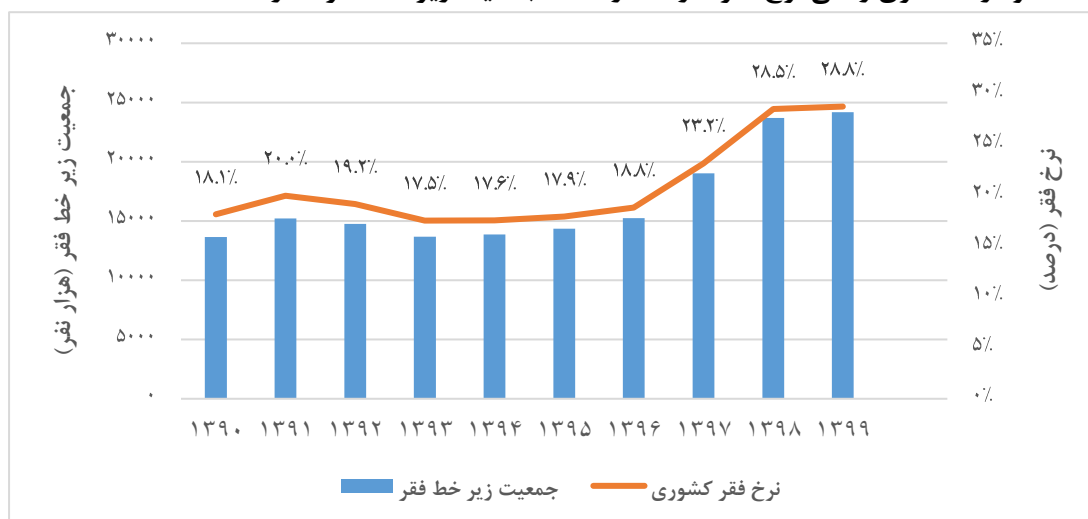
۵. وضعیت معیشتی

نرخ فقر یکی از متغیرهای مهم اقتصاد کلان است. بررسی وضعیت فقر و معیشت خانوار از اهمیت دوچندان برخوردار بوده و در این بخش از مطالعه، تصویری از وضعیت فقر و معیشت ایرانیان در سال ۱۴۰۱ ارائه می‌شود. به این منظور ابتدا مروری بر وضعیت رفاهی خانوار در دهه ۹۰ و به خصوص سال ۱۳۹۹ صورت گرفته است.

۵-۱. مروری بر وضعیت معیشتی خانوارها در دهه ۹۰ و سال ۱۳۹۹

اقتصاد ایران یک دهه کاهش در درآمد سرانه و افزایش فقر را تجربه کرده است. برآوردها نشان می‌دهد درآمد سرانه ایرانیان در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۰ بیش از ۳۴ درصد کاهش یافته است. از سوی دیگر همان‌گونه که در نمودار ۱۹ مشاهده می‌شود نرخ فقر در سال‌های اخیر روندی صعودی داشته و در سال ۱۳۹۹ به رقم بی‌سابقه ۲۸/۸ درصد رسیده است.

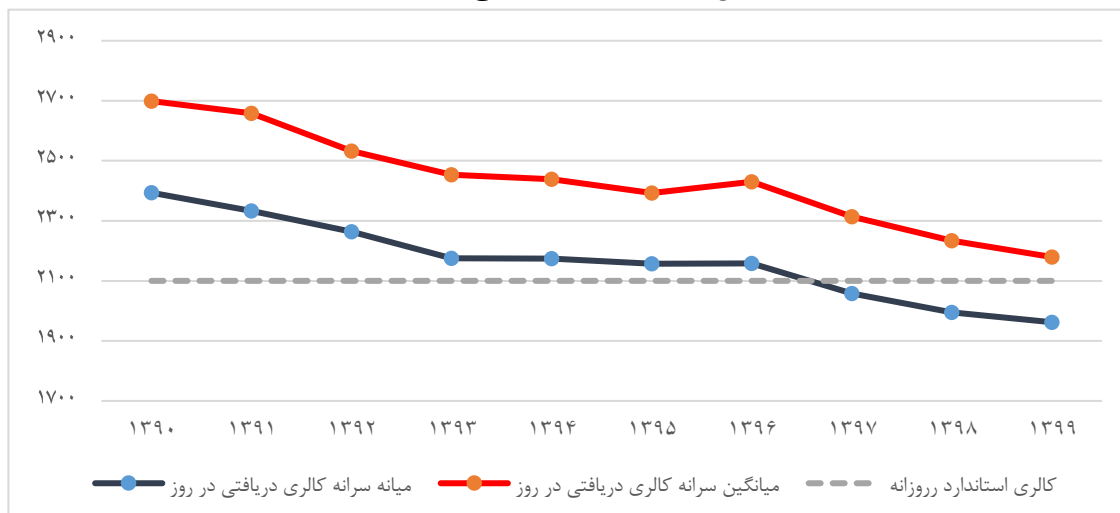
نمودار ۱۹. سری زمانی نرخ فقر (درصد) و تعداد جمعیت زیر خط فقر – درصد (۱۳۹۹-۱۳۹۰)



مأخذ: محاسبات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی براساس داده‌های هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران.

به نظر می‌رسد افزایش قابل توجه نرخ تورم در سال‌های ابتدایی و انتهای دهه ۹۰ در کنار رشدهای اقتصادی منفی در این دو بازه زمانی باعث شده تا درآمد خانوارهای ایرانی نتواند کفاف هزینه‌ها را بدهد و بنابراین نرخ فقر به میزان قابل توجهی افزایش داشته است. افزایش هزینه‌های زندگی همچنین باعث شده تا خانوارهای ایرانی از نیازهای ضروری و اولیه مانند خوراک بکاهند. همان‌گونه که در نمودار ۲۰ مشاهده می‌شود کالری دریافتی ایرانیان طی سال‌های اخیر به شدت کاهش یافته است.

نمودار ۲۰. میانگین و میانه کالری دریافتی سرانه روزانه (کیلوکالری)



مأخذ: همان.

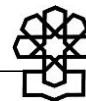
نگاهی به ترکیب مصرف خانوار نشان می‌دهد که نه تنها کالری دریافتی خانوار در دهه ۱۳۹۰ کاهش یافته، بلکه خانوار مصرف از کالاهای اساسی را نیز کاهش داده است.

جدول ۴، میزان مصرف سرانه دهک‌های درآمدی از گروه‌های اصلی خوراکی در سال ۱۳۹۹ را نشان می‌دهد. سه سطر آخر جدول، نسبت مصرف دهک دهم به دهک اول را نشان می‌دهد. بیشترین نابرابری در مصرف گوشت گوسفندی و پس از آن گوشت گوساله وجود دارد. نسبت مصرف دهک دهم به دهک اول نیز قابل توجه است. به‌عنوان مثال، دهک دهم در سال ۱۳۹۹ در حدود ۳۱ برابر دهک اول گوشت گوسفندی مصرف می‌کند.

جدول ۴. متوسط مصرف هر دهک از برخی گروه‌های خوراکی اصلی در ماه (سال ۱۳۹۹) - گرم

دهک حقیقی	برنج خارجی	مجموع روغن	مرغ	گوشت گوساله	گوشت گوسفند	تخم مرغ
۱	۷۵۴	۶۸۳	۱,۰۰۹	۴۶	۳۶	۳۸۲
۲	۹۹۸	۷۸۵	۱,۲۲۳	۷۳	۵۵	۴۴۶
۳	۱,۰۹۷	۸۲۱	۱,۲۹۱	۱۰۸	۹۶	۴۸۱
۴	۱,۱۱۰	۸۴۵	۱,۳۲۶	۱۱۰	۱۸۰	۵۰۵
۵	۱,۱۹۲	۹۰۷	۱,۴۶۶	۱۱۳	۲۲۵	۵۲۷
۶	۱,۲۲۷	۹۴۴	۱,۵۲۵	۱۳۹	۲۱۱	۵۴۸
۷	۱,۲۷۵	۹۵۵	۱,۶۵۲	۱۷۳	۳۲۵	۵۶۹
۸	۱,۲۷۸	۱,۰۰۵	۱,۷۸۳	۱۹۶	۴۴۲	۵۹۸
۹	۱,۲۴۰	۱,۰۸۰	۱,۸۵۶	۲۴۴	۵۴۹	۶۳۸
۱۰	۱,۲۴۱	۱,۲۱۹	۲,۳۵۳	۳۷۲	۱,۱۲۵	۷۴۹
نسبت مصرف دهک دهم به اول در سال ۱۳۹۹	۱.۶۵	۱.۷۸	۲.۳۳	۸.۱۵	۳۱.۳۱	۱.۹۶
نسبت مصرف دهک دهم به اول در سال ۱۳۹۸	۱.۸۲	۱.۹۲	۲.۶۳	۸.۹۶	۳۵.۹۰	۱.۸۵
نسبت مصرف دهک دهم به اول در سال ۱۳۹۷	۱.۹۱	۱.۸۴	۲.۶۰	۷.۰۳	۳۰.۶۹	۲.۰۹

مأخذ: محاسبات تحقیق براساس داده‌های هزینه درآمد خانوار مرکز آمار ایران.



همان گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، نابرابری در مصرف کالاهای اساسی در سه سال منتهی به سال ۱۳۹۹، در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۷ بیشتر شده و سپس در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۸ کمتر شده است.

یک دلیل اولیه این موضوع، حمایت‌هایی است که در سال ۱۳۹۹ از خانوار و به‌خصوص دهک‌های پایین درآمدی صورت گرفت. در سال ۱۳۹۹ در سه مرحله از دهک‌های پایین درآمدی حمایت صورت گرفت، اول پرداخت یارانه بلاعوض به سه دهک پایین درآمدی، دوم پرداخت وام یک میلیون تومانی کرونا و سوم پرداخت یارانه مجدد کرونا در سه ماه پایانی سال ۱۳۹۹. این پرداخت‌ها حتی اگر به‌طور مساوی به همه دهک‌ها پرداخت شود، نابرابری را کاهش می‌دهد زیرا برای دهک‌های پایین درآمدی مستقیماً تبدیل به مصرف خوراک شده، ولی برای دهک‌های بالای درآمدی تأثیر چندانی در مصرف خوراکی‌ها ندارد.

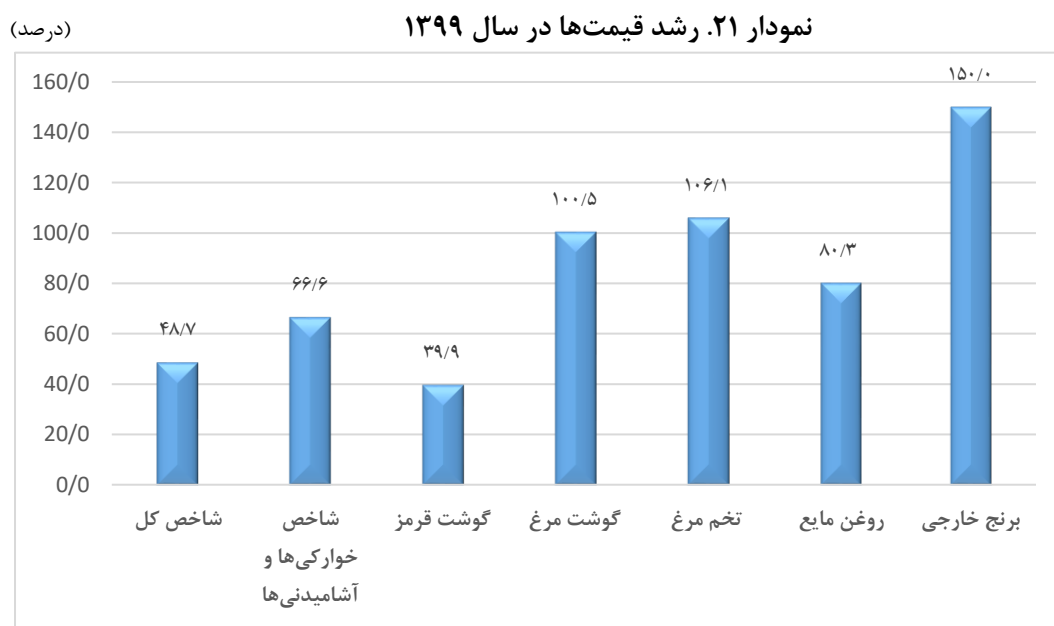
در سال ۱۳۹۹ نیز خانوارها همچنان مصرف خود از بسیاری از کالاهای اساسی را کاهش داده‌اند. همان‌طور که در جدول ۵ مشخص است، مصرف برنج خارجی، روغن و مرغ در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۸ تقریباً برای همه دهک‌های درآمدی کاهش یافته و مصرف تخم مرغ نیز برای دو دهک اول کاهش یافته و برای سایر دهک‌ها تقریباً ثابت بوده است. اما مصرف گوشت گوساله و گوشت گوسفندی تقریباً برای همه دهک‌ها افزایش نشان می‌دهد. نکته جالب توجه اینکه، سه گروه کالایی روغن، مرغ و تخم مرغ که همچنان ارزش ترجیحی دریافت می‌کنند و مشمول قیمتگذاری می‌شوند، به‌علت رشد قیمتی که در سال ۱۳۹۹ داشتند با کاهش مصرف از سوی خانوار مواجه بودند، اما گوشت گوساله و گوسفند که قیمت آنها به‌طور معمول متناسب با قیمت‌های جهانی است و رشد قیمتی کمتری در سال ۱۳۹۹ داشته‌اند، با کاهش قیمت‌های نسبی مواجه بوده و در نتیجه مصرف آنها افزایش پیدا کرده است.

جدول ۵. تغییر در میزان (رشد) مصرف سرانه ماهیانه

از گروه‌های اصلی غذایی در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۸ (درصد)

دهک حقیقی	برنج خارجی	مجموع روغن	مرغ	گوشت گوساله	گوشت گوسفند	تخم مرغ
۱	-۱۳.۰۴	۰.۵۸	۰.۲۴	۹.۶۹	۱۵.۵۶	-۵.۲۱
۲	-۱۱.۱۷	-۲.۷۷	-۰.۱۲	۱۵.۱۱	-۸.۳۸	-۲.۳۷
۳	-۱۱.۷۴	-۲.۷۴	-۶.۳۶	۴۷.۲۵	۷.۲۷	۰.۷۹
۴	-۱۵.۵۷	-۳.۲۳	-۷.۸۳	۳۷.۴۲	۵۲.۶۶	۱.۲۱
۵	-۱۹.۰۶	-۲.۵۷	-۴.۹۷	۲۰.۷۸	۵۲.۵۸	۱.۱۶
۶	-۱۷.۱۸	-۵.۲۴	-۴.۵۲	۵.۰۱	۲۴.۶۹	۱.۴۱
۷	-۱۲.۸۳	-۶.۷۹	-۲.۰۵	۲۴.۲۲	۳۴.۲۶	۱.۱۴
۸	-۱۳.۴۳	-۵.۵۳	-۱.۸۰	۲۲.۳۰	۳۵.۶۱	۲.۱۹
۹	-۱۶.۸۹	-۳.۳۰	-۳.۴۰	۱۷.۰۳	۳.۳۵	۱.۵۱
۱۰	-۲۱.۲۰	-۶.۶۶	-۱۱.۱۹	-۰.۲۰	۰.۷۹	۰.۳۳

مأخذ: همان.

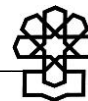


مأخذ: مرکز آمار ایران.

همان‌طور که در نمودار ۲۱ نشان داده مشخص است، رشد قیمت گوشت قرمز نسبت به سایر کالاهای اساسی و حتی نسبت به شاخص کل و شاخص قیمت خوراکی‌ها در سال ۱۳۹۹ کمتر بوده و در نتیجه با کاهش در قیمت‌های نسبی همراه بوده است. سه کالای گوشت مرغ، تخم مرغ و روغن مایع که بیشترین ارزش ترجیحی به نهاده‌های آنها اختصاص می‌یابد، بین ۸۰ تا ۱۰۰ درصد در سال ۱۳۹۹ رشد قیمت داشته‌اند.

نمودار ۲۱ به‌تنهایی می‌تواند یکی از مهم‌ترین علل بدتر شدن وضعیت معیشتی ایرانیان در سال ۱۳۹۹ و به‌خصوص گروه‌های پایین درآمدی را نشان دهد، اما نکته قابل توجه دیگر آنکه با وجود بدتر شدن وضعیت معیشتی در دهه ۹۰ و به‌خصوص در سال ۱۳۹۹، منابع دولتی به‌صورت عادلانه بین گروه‌های مختلف درآمدی توزیع نشده است. مهم‌ترین یارانه‌ای که دولت در سال ۱۳۹۹ پرداخت کرده (بجز وام یک میلیونی کرونا و حمایت ماهیانه حدود ۱۱۰ هزار تومانی در انتهای سال ۱۳۹۹) یارانه ارزش ترجیحی در حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بوده که اولاً اصابت بیشتری به دهک‌های بالای درآمدی دارد (به‌علت مصرف بالاتر این دهک‌ها که در جدول ۵ نیز نشان داده شده است) ثانیاً نتوانسته منجر به ثبات قیمت کالاهای اساسی شده و در نتیجه از این منظر نیز به خانوارها اصابت نکرده است. بنابراین چنین حجم بالایی از یارانه ضمنی که بخشی از آن تورم‌زا نیز بوده (به‌دلیل رشد پایه پولی)^۱ نه تنها وضعیت فقرا را بهتر نکرده، بلکه با ایجاد تورم، وضع آنها را بدتر نیز کرده است.

۱. چنانکه پیش‌تر توضیح داده شد، بانک مرکزی به‌منظور تأمین بخشی از ارزش کالاهای اساسی در سال ۱۳۹۹، ارزش را از بازار به نرخ نیمه خریداری می‌کرد و ارزش (دیگری) را به نرخ ۴۲۰۰ تومان به واردکننده کالای اساسی می‌فروخت. در اثر این اقدام، بیش از ۱۲۰ هزار میلیارد تومان به خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی افزوده شد، بدون آنکه ارزش دلاری ذخایر خارجی بانک مرکزی تغییر معنایی داشته باشد.



۲-۵. عوامل مؤثر بر وضعیت فقر و معیشت

همان‌طور که در طول این بخش اشاره شد، رفاه خانوار ایرانی در سال ۱۳۹۹ در ادامه روند کاهنده رفاه و افزایش نرخ فقر؛ مجدداً کاهش یافته و در پایان سال ۱۳۹۹، حدود ۲۹ درصد از ایرانیان زیر خط فقر قرار داشته‌اند (تقریباً مشابه سال ۱۳۹۸). مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تغییرات رفاه و معیشت خانوار در سال ۱۳۹۹ را می‌توان موارد زیر دانست:

۱. **تورم فزاینده در سال ۱۳۹۹:** تورم فزاینده طی سال‌های گذشته و تورم ۵۰ درصدی سال ۱۳۹۹ (نقطه‌به‌نقطه در اسفندماه ۱۳۹۹) باعث شده تا هزینه زندگی به‌طور مرتب افزایش یافته و قدرت خرید خانوار کاهش یابد و خانوارهای بیشتری به زیر خط فقر بروند.

۲. **رکود اقتصادی:** هرچند درآمد سرانه در سال ۱۳۹۹ رشد اندکی نسبت به سال ۱۳۹۸ داشته است، اما در مجموع رشدهای اقتصادی منفی طی دهه ۹۰ باعث شده تا روند درآمد سرانه ایرانیان در این دهه کاهشی بوده و در مجموع ایرانیان در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۰ در حدود ۳۴ درصد کاهش در درآمد سرانه داشته باشند. بنابراین در حالی که قدرت خرید خانوار به‌واسطه تورم کاهش یافته، اقتصاد نیز نتوانسته درآمدهای جدید برای جبران قدرت خرید از دست رفته ایجاد کند.

۳. **کرونا و از بین رفتن برخی از مشاغل:** سال ۱۳۹۹ تحت تأثیر محدودیت‌های ناشی از کرونا بوده و در حدود ۱/۵ میلیون شغل در بهار ۱۳۹۹ نسبت به بهار ۱۳۹۸ از بین رفت. هرچند که بخشی از مشاغلی که از بین رفته بودند مجدداً در فصول بعدی احیا شدند، اما در مجموع در سال ۱۳۹۹، در حدود یک میلیون شغل از بین رفت که صاحبان این مشاغل نیز از بین دهک‌های پایین درآمدی بوده و تنها منبع درآمدی آنها، درآمد حاصل از شغل بود و این موضوع نیز بر معیشت خانوار اثرگذار بوده است.

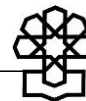
۴. **پرداخت‌های نقدی حمایتی:** در سال ۱۳۹۹ چندین مرحله پرداخت جدید حمایتی صورت گرفت. اول پرداخت نقدی یارانه معیشتی در سه‌ماهه پایانی سال ۱۳۹۸ که اثر اصلی بر معیشت خانوار را در سال ۱۳۹۹ داشته، زیرا در کل سال پرداخت شده است. دوم پرداخت مبالغی متناسب با بُعد خانوار به سه دهک اول درآمدی در بهار ۱۳۹۹. سوم وام یک میلیون تومانی کرونا در خردادماه ۱۳۹۹ به همه یارانه‌بگیران و چهارم پرداخت ۱۱۰ هزار تومان ماهیانه به‌صورت سرانه در سه‌ماهه پایانی سال ۱۳۹۹ به حدود ۴۰ میلیون نفر. این پرداخت‌ها توانست تا حدی بخشی از رفاه از دست رفته خانوار را جبران کرده و به همین دلیل در سال ۱۳۹۹ افزایش در نرخ فقر بسیار جزئی باشد (هرچند باید توجه داشت که نرخ فقر از یک حدی به بالا دیگر نمی‌تواند با سرعت‌های قبلی رشد کند و اصولاً این کاهش نرخ فقر است که مناسب است و نه عدم افزایش آن).

تصویر وضعیت معیشت خانوار ایرانی طی سال ۱۳۹۹ و به‌طور کلی دهه ۹۰ نشان می‌دهد که در حال حاضر فقر از اصلی‌ترین چالش‌های اقتصادی و اجتماعی است. در کشوری که نرخ فقر بالاست، سرمایه انسانی به‌مرور زمان و بهره‌وری در سال‌های بعدی کاهش یافته و در نتیجه اقتصاد به تدریج با کاهش ظرفیت بالقوه مواجه شده و فقرای بیشتری ایجاد می‌کند.

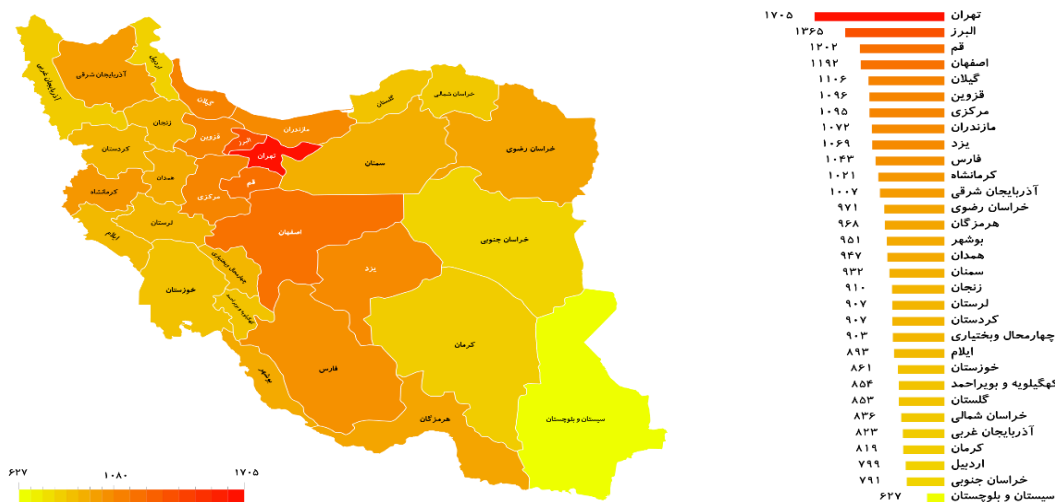
از این‌رو سیاستگذار همواره باید به دو نکته اساسی توجه داشته باشد، اول آنکه هر سیاست حمایتی که به اجرا گذاشته می‌شود باید از منظر منابع حمایتی بررسی شود که از منابع تورم‌زا استفاده نکند (مانند سیاست ارز ترجیحی و یا مواردی نظیر آن که با یک حمایت، تورم‌های بزرگ‌تری ایجاد می‌شود) و دوم اینکه سهم فقرا در همه سیاست‌ها، خصوصاً در بودجه سالیانه دولت، به‌صورت جدی در نظر گرفته شود؛ به‌عنوان مثال در اولویت‌بندی تخصیص بودجه، فقرا نسبت به کارمندان دولت در اولویت قرار گیرند.

۳-۵. تصویر استانی فقر و محرومیت

در شکل ۴ خط فقر سرانه استانی در سال ۱۳۹۹ نشان داده شده است (با ضرب خط فقر سرانه بر عدد $2/2$ خط فقر برای خانوار ۳ نفره و با ضرب در عدد $2/7$ خط فقر خانوار ۴ نفره به دست می‌آید). این عدد خط فقر متوسط کشوری را نشان می‌دهد و این در حالی است که در مناطق مختلف کشور، هزینه‌های زندگی متفاوت بوده و در نتیجه خط فقرهای متفاوتی را به دست می‌دهد. در شکل ۴، استان‌های مختلف کشور به ترتیب خط فقر نشان داده شده‌اند. شایان ذکر است که در داخل یک استان نیز خط فقرهای متفاوتی وجود دارد. به‌عنوان مثال در استان تهران، خط فقر در شهر تهران، سایر نقاط شهری استان تهران و همچنین نقاط روستایی استان تهران؛ متفاوت است. این موضوع برای برخی استان‌های دیگر که دارای شهرستان‌های بزرگ هستند نیز صدق می‌کند.

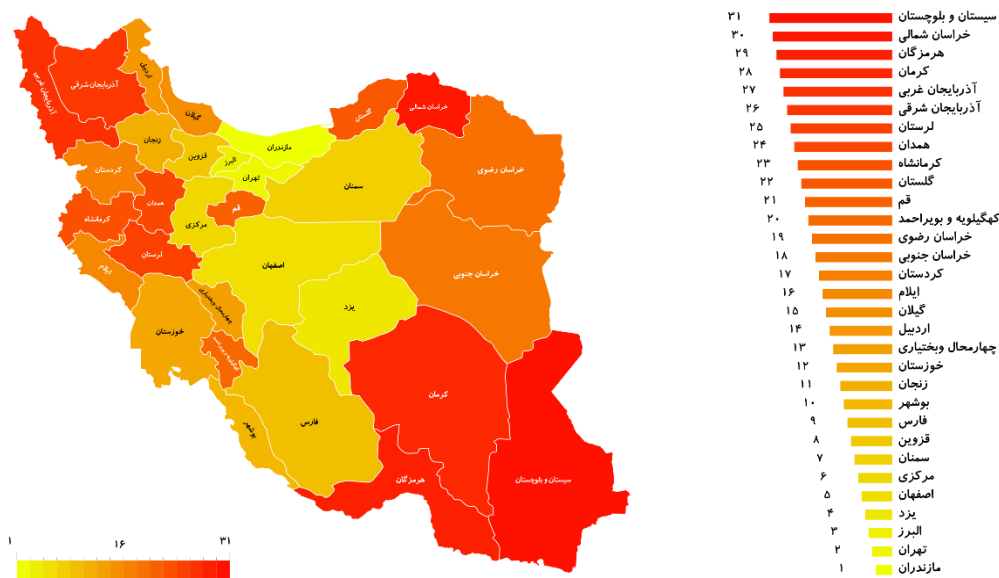


شکل ۴. خط فقر سرانه استانی در سال ۱۳۹۹ (هزار تومان)



مأخذ: محاسبات مرکز پژوهش‌ها براساس داده‌های هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران.
توضیح: در شکل ۴ خط فقرهای استانی نشان داده شده است. اما باید توجه داشت که در داخل یک استان نیز اعداد خط فقر متفاوت است. به عنوان مثال خط فقر در سال ۱۳۹۹ برای شهر تهران به صورت سرانه تقریباً برابر ۲ میلیون تومان بوده که برای یک خانوار چهار نفره در حدود ۵ میلیون و چهارصد هزار تومان خواهد شد. این تفاوت در خط فقر در سایر استان‌ها و شهرستان‌های بزرگ مانند اصفهان، شیراز و... نیز صادق است. همچنین باید توجه داشت که اعداد ذکر شده برای سال ۱۳۹۹ بوده و به قیمت‌های سال ۱۴۰۰ برآورد می‌شود که رشد حدود ۳۶ درصدی داشته باشد.

شکل ۵. ترتیب محرومیت استان‌ها به ترتیب از محروم‌ترین



مأخذ: هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران و پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان.
توضیح: اعداد نوشته شده در کنار هر استان رتبه محرومیت در هر استان در بین سایر استان‌ها را نشان می‌دهد. منظور از محرومیت در این نمودار، فقر درآمدی است و ارتباطی به میزان دسترسی استان‌ها به امکانات و خدمات ندارد. برای رتبه‌بندی استان‌ها در نقشه فوق، میانگین نرخ فقر در هر استان براساس اطلاعات هزینه و درآمد خانوار و پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان محاسبه شده و نتایج به‌دست آمده است.

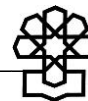
جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

در این گزارش تصویر اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۰ و چشم‌انداز پیش روی آن در سال آتی مورد بررسی قرار گرفت. خلاصه‌ای از مجموعه موارد ارائه شده به شرح ذیل است:

– بخش حقیقی: براساس آخرین شواهد از عملکرد اقتصاد ایران در ۶ ماهه اول سال ۱۴۰۰ و روندهای قابل تحلیل تا پایان سال پیش‌بینی می‌شود، بخش **کشاورزی** تحت تأثیر خشکسالی، کاهش میزان بارندگی و سیاست‌های مداخله‌ای دولت در سال‌های اخیر با رشد منفی ۳/۱ درصدی، بخش **نفت خام و گاز طبیعی** در نتیجه رشد قابل توجه صادرات نفت خام و میعانات گازی با رشد ۱۹/۵ درصدی، بخش **صنعت** در نتیجه قطعی برق صنایع فولادی و سیمانی در تابستان با رشد مثبت (کمتر نسبت به سال قبل) ۱/۱ درصدی، بخش **ساختمان** با توجه به افزایش تعداد پروانه‌های ساختمانی صادره در نیمه دوم سال ۱۳۹۹ و افزایش بودجه عمرانی دولت در ۶ ماهه اول سال ۱۴۰۰ با رشد ۴/۱ درصدی و بخش **خدمات** با توجه به بازیابی این بخش پس از شیوع ویروس کرونا با رشد ۲/۵ درصدی مواجه شوند. در نهایت، **برآورد می‌شود اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۰ با رشد ۲/۸ درصدی مواجه شود که این میزان برای رشد بدون نفت ۱/۶ درصد است.** شایان ذکر است صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیز در آخرین گزارش‌های خود رشد اقتصادی ایران را در سال ۲۰۲۱ (۱۴۰۰) به ترتیب ۲/۵ و ۳/۱ درصد پیش‌بینی کرده‌اند. برآورد این دو نهاد از رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۲ (۱۴۰۱) نیز به ترتیب حدود ۲ و ۲/۴ درصد است.

– اشتغال و بیکاری: بازار کار کشور در سال ۱۴۰۰ بیش از هر چیز متأثر از بازیابی اقتصاد از اثرات شیوع ویروس کرونا در سال ۱۳۹۹ بوده و در نتیجه این موضوع اشتغال کشور در فصل بهار این سال افزایش قابل توجهی یافته است. با این حال با تخلیه این اثر در سایر فصول سال ۱۴۰۰ تداوم رشد قابل توجه اشتغال دور از انتظار خواهد بود. ضمن اینکه روندهای طی شده در بازار کار قبل از شیوع ویروس کرونا نشان‌دهنده روند نزولی افزایش اشتغال در کشور بود و تداوم افزایش اشتغال سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ با تکمیل ظرفیت‌های اقتصاد بعید به نظر می‌رسید. صندوق بین‌المللی پول نرخ بیکاری کشور در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ را به ترتیب ۱۰ و ۱۰/۵ درصد پیش‌بینی نموده است.

– سرمایه‌گذاری و موجودی سرمایه: شواهد موجود حاکی از آن است که علی‌رغم رشد مثبت تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات در ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۰، به دلیل کمتر بودن سرمایه‌گذاری از استهلاک سرمایه، تشکیل سرمایه خالص در سال ۱۴۰۰ نیز مشابه سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ منفی خواهد بود و موجودی سرمایه اقتصاد در این سال نیز کاهش خواهد یافت. کاهش شدید سرمایه‌گذاری در کشور نمودی از وضعیت بی‌ثبات اقتصاد ایران است. تورم بسیار بالا و پرنوسان و همچنین نااطمینانی‌های مقرراتی باعث



شده تا سرمایه‌گذاری در این اقتصاد سودآور نباشد و حتی انگیزه برای سرمایه‌گذاری‌هایی که می‌تواند در نرخ‌های تورم بالا نیز سودآور باشد، به‌علت عدم پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد و محیط نامناسب کسب‌وکار و امنیت پایین سرمایه‌گذاری، وجود نداشته باشد. سیاستگذار اقتصادی در ایران همواره تلاش کرده تا به‌جای کنترل تورم، با قیمت‌گذاری دستوری، به جنگ افزایش قیمت‌ها برود و همین امر باعث می‌شود تا سرمایه‌گذاری که حتی در شرایط تورمی هم وارد می‌شود، از ورود به بازار اطمینان نداشته باشد.

– **تورم:** براساس اعلام مرکز آمار ایران نرخ تورم از سال ۱۳۹۷ به بعد روند فزاینده‌ای را به‌خود گرفته، به‌طوری که شاخص قیمت در آبان‌ماه ۱۴۰۰ نسبت به اسفندماه ۱۳۹۶ در حدود ۲۳۵ درصد رشد کرده است. همچنین نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه در آبان‌ماه ۱۴۰۰ نسبت به آبان‌ماه ۱۳۹۹ به ۳۵/۷ درصد رسیده است. دلایل افزایش شاخص قیمت در سال ۱۴۰۰ را می‌توان در یک نگاه کلی، افزایش قابل توجه انتظارات تورمی، افزایش نرخ ارز، سیاست پولی و سیاست مالی دانست. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در آخرین گزارش خود نرخ تورم ایران در سال ۲۰۲۲ (۱۴۰۱) را به‌ترتیب ۲۷/۵ و ۴۱/۶ درصد پیش‌بینی کرده‌اند.

– **فقر و وضعیت معیشتی:** بررسی‌ها نشان می‌دهد که میانگین و میانه کالری دریافتی خانوارهای ایرانی از سال ۱۳۹۰ به‌طور پیوسته رو به کاهش بوده و این فرایند در سال ۱۳۹۹ نیز تداوم یافته است. تصویر وضعیت معیشت خانوار ایرانی طی سال ۱۳۹۹ و به‌طور کلی دهه ۹۰ نشان می‌دهد که در حال حاضر فقر از اصلی‌ترین چالش‌های اقتصادی و اجتماعی کشور است. سیاستگذار همواره باید به **دو نکته اساسی در سیاست‌گذاری مقابله با فقر** توجه داشته باشد، اول آنکه هر سیاست حمایتی که به اجرا گذاشته می‌شود باید از منظر منابع حمایتی بررسی شود که از منابع تورم‌زا استفاده نکند (مانند سیاست ارز ترجیحی و یا مواردی نظیر آن که با یک حمایت، تورم‌های بزرگ‌تری ایجاد می‌شود) و دوم اینکه سهم فقرا در همه سیاست‌ها، خصوصاً در بودجه سالیانه دولت، به‌صورت جدی در نظر گرفته شود؛ به‌عنوان مثال در اولویت‌بندی تخصیص بودجه، فقرا نسبت به کارمندان دولت در اولویت قرار گیرند.

به‌طور کلی تصویر مذکور از وضعیت متغیرهای اقتصاد کلان کشور حاوی دو چالش بسیار مهم است. از یک طرف بخش حقیقی و بازار کار کشور در سال‌های اخیر به‌دلیل شوک‌های بیرونی عملکرد ضعیفی داشته و با توجه به رشد منفی موجودی سرمایه در سال‌های اخیر چشم‌انداز رشد مثبت قابل توجه و افزایش اشتغال برای سال‌های آتی، جز با تغییر جدی در ساختارها و سیاست‌های اقتصادی قابل تحقق نباشد. از طرف دیگر نرخ تورم علی‌رغم تخلیه نسبی آثار شوک‌های بیرونی همچنان بالاست و بدون اراده جدی در جهت اصلاح ساختار بودجه و اصلاحات در نظام بانکی، مهار پایدار تورم امکان‌پذیر نیست. بهبود وضعیت معیشت خانوارهای فقیر و کاهش نرخ فقر، در درجه اول وابسته به دو مقوله فوق (رشد اقتصادی و نرخ تورم) است، هرچند در کوتاه‌مدت با اتخاذ سیاست‌های بازتوزیعی هدفمند، باید

معیشت طبقات کم‌درآمد را در اولویت سیاست‌های بودجه‌ای قرار داد.

هرچند نگرانی‌هایی در خصوص شاخص‌ها و وضعیت اقتصادی کشور وجود دارد، ولی با این حال اتفاق نظر بخش قابل توجهی از بدنه دولت و مجلس در خصوص عدم امکان تداوم سیاست‌های اقتصادی اشتباه پیشین، فرصتی تاریخی برای اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران در اختیار قرار داده که می‌تواند روندهای بلندمدت اقتصاد ایران را در مسیر درست قرار دهد. در واقع بایستی پذیرفت که اقتصاد ایران بیمار است و تورم و وضعیت نابسامان تولید (رکود اقتصادی) از اصلی‌ترین بیماری‌های این اقتصاد است. تورم مزمن بیماری ۵۰ ساله اقتصاد ایران بوده و صرف‌نظر از تحریم، کرونا، افزایش قیمت سوخت، جهش ارز و سایر بهانه‌های سیاستگذار برای توجیه ناکارآمدی‌های سیاستگذاری خود، در همه این ۵۰ سال رخ داده است. مهم‌تر آنکه سیاستگذار همواره مسیر اشتباه برای درمان این بیماری در پیش گرفته است. سیاستگذار در طول ۵۰ سال گذشته به جای کنترل تورم، اقدام به قیمتگذاری‌های غیراصولی و مداخله غیرکارا در تمامی بخش‌های اقتصاد کرده و همین امر خود منجر به بی‌ثباتی بیشتر اقتصاد، وابستگی هرچه بیشتر بخش‌های قیمتگذاری شده به منابع دولتی، رشد بیشتر کسری بودجه دولت و درنهایت رشد بیشتر تورم شده است.

در این بین هرچند نمی‌توان از اثرپذیری قابل توجه اقتصاد کشور از لایحه بودجه ۱۴۰۱ به‌عنوان سند مالی دولت گذر کرد، با این حال سیاستگذار بایستی بدانند اصلاحات ساختاری در بودجه صرفاً یکی از شروط لازم برای قرار گرفتن اقتصاد کشور در مسیر درست است و بدون سایر اصلاحات ساختاری در حوزه‌های مختلف از جمله اصلاح نظام بانکی، بهبود محیط کسب‌وکار و... نتایج اصلاحات بودجه نیز مطابق انتظارات سیاستگذار نخواهد بود.

شایان ذکر است در گزارشی مجزا به بررسی ابعاد اقتصاد کلان لایحه بودجه ۱۴۰۱ پرداخته خواهد شد.